

بنیان‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران با عراق نوین

عباس جعفری نیا^۱

دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۲

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران دیپلماسی پویا و تازه‌ای در قبال مسائل خاورمیانه در پیش گرفت. بنا به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در راستای این دیپلماسی پویا برحسب شناسه‌های ژئوپلیتیکی تعریف شده در دکترین سیاست خارجی ایران (بالاخص تعلقات و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی) کشور عراق در کانون توجهات ایران قرار دارد. در این مقاله تلاش شده است مناسبات تهران با عراق جدید در سه حوزه متفاوت (مناسبات با شمال عراق، مناسبات با شیعیان و مناسبات با اهل تسنن) مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. سوال اصلی مقاله حاضر این است که بنیان‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران با عراق جدید کدام‌اند؟ روش این مقاله توصیفی تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز مقاله از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی پژوهشی و نیز اسناد راهبردی گردآوری شده‌اند. نتایج مقاله نشان می‌دهد که دولت مردان ایران سعی دارند از یک طرف از طریق توسعه مناسبات با شیعیان و دولت مرکزی با استفاده از عنصر مذهب و ایدئولوژی، قدرت سیاسی و نظامی خود را به عنوان بازیگر اول ژئوپلیتیک شیعه در منطقه و جهان افزایش دهند و از سوی دیگر با توسعه مناسبات با اقلیم کردستان عراق طی تنظیم مناسبات دوجانبه و چندجانبه با اکراد، در این حوزه سوپاپی برای امنیت ملی خود فراهم نمایند تا اولاً از میزان تهدیدات ناشی از این منطقه بر امنیت ملی ایران بکاهند و ثانیاً با حلقه وصل شدن بین اکراد و شیعیان و تعمیق روابط آن‌ها میزان تأثیرگذاری ایران بر صحنه عراق و منطقه را افزایش دهند. نتایج نشان می‌دهد ایران در توسعه مناسبات با اهل تسنن به علت ماهیت ساختاری، استفاده از عنصر مذهب در سیاست خارجی، سابقه تاریخی چالش‌های مذهبی در منطقه و... به سان دو عرصه دیگر موفق نبوده است و از تحکیم پیوندهای شیعی سنی در جهان اسلام بر محوریت منزلت ژئوپلیتیکی ایران به خصوص پس از تحولات سوریه طی سه سال گذشته موفقیت چندانی حاصل نموده است.

واژگان کلیدی: ایران، عراق، منزلت ژئوپلیتیکی، ژئوپلیتیک شیعه، امنیت ملی.

مقدمه

روندهای جهانی کنونی به گونه ای است که الگوهای کنش‌های متقابل همواره در حال بازتولیدند. این امر ایجاد چارچوبی از محدودیت‌ها و فرصت‌ها را امکان‌پذیر می‌نماید که کشورها و دولت‌ها باید خود را با آن سازگار کنند. ارزیابی علمی، تحلیل و تبیین چالش‌ها، فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدها مبتنی بر «نگرشی واقع‌گرایانه»، ضرورتی است انکار ناپذیر که هر کشوری باید الگوی رفتاری و روابط خود با سایرین را مبتنی بر آن تدوین و پیگیری نماید. شناخت واقعی از قابلیت‌ها و امکانات واحد ملی از یک سو و از طرف دیگر، ترسیم اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها معطوف به تأمین امنیت ملی، اصلی است که چراغ راهنمای هر بازیگر بین‌المللی محسوب می‌شود. محیط سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، در درون حلقه‌های همپوشی از مناطق خلیج فارس، خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و جنوب آسیا واقع شده است. در این بین، کشور عراق نیز به عنوان عضوی از دو منطقه نخست (خلیج فارس و خاورمیانه)، از یک طرف، پیوند دهنده ما با معادلات منطقه‌ای قدرت در خاورمیانه و از طرف دیگر، یکی از رقبای همیشگی ما در خلیج فارس می‌باشد. از این رو است که، وضعیت سیاسی و امنیتی عراق در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، بر محیط سیاسی کشورمان تأثیرگذار بوده و خواهد بود. الزامات استراتژیک ناشی از موقعیت عراق، همواره عنصر مهمی در تصمیم‌گیری بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خاورمیانه بوده است. لذا، در واقع می‌توان گفت که «بازی بزرگ استراتژیک» کنونی در عراق، ترسیم‌کننده معادلات استراتژیک خاورمیانه و حتی مناطق پیرامون آن خواهد بود. تغییر ساختار نظام سیاسی عراق، با توجه به نقش جدید شیعیان در آن، از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر ساختارها و هنجارهای محیط پیرامونی در شرایط کنونی است که برای ایران نیز چالش‌ها و فرصت‌های نوینی را که در قیاس با گذشته، ماهیت، شدت و زمان آن متفاوت است، ایجاد نموده است.

از سوی دیگر بر خلاف اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران با عراق، با نگاهی به روند تطور روابط دوجانبه، از گذشته تا کنون به این نتیجه می‌رسیم که مناسبات بین دو کشور اغلب پرتنش بوده است. اهداف و دخالت‌های استعماری قدرت‌های بزرگ و پیامدهای ناشی از فروپاشی امپراطوری عثمانی، منشاء تحولاتی بوده است که آثار آن کماکان بر مناسبات این دو کشور سایه افکنده است. «تنش و خصومت پرنوسان، انعقاد و نقض پی در پی قراردادهای از سوی طرفین، اختلافات تاریخی مرزی، مسأله عتبات عالیات و زوار ایرانی، حوزه‌های علمیه، مسأله مرجعیت، علما، مسأله کردستان و بحران قومیت‌ها و شکل‌گیری و توسعه یا تحدید ادواری عرصه فعالیت‌های گروه‌های معارض دو کشور، اتهام یا واقعیت دخالت در امور داخلی یکدیگر، کیفیت پیگیری اجرای مفاد قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و به طور خلاصه و از همه مهم‌تر اختلافات ملی مذهبی» از جمله مسائلی هستند که طی دهه‌های اخیر بر روابط دو کشور سایه افکنده و در آینده نیز از متغیرهای تعیین‌کننده در مناسبات دوجانبه خواهد بود به گونه‌ای که در واقع پیشینه‌ای به شرح مذکور، بر حافظه متراکم تاریخی مردم و نخبگان هر دو کشور سنگینی می‌کند. در یک ملاحظه کلی با توجه به مسائل پیشین، در شرایط کنونی تغییر نظام سیاسی و افزایش نقش و جایگاه شیعیان در نظام سیاسی عراق نوین، ساختارها و هنجارهای خاصی را در جامعه شیعیان، واحد ملی عراق و مناسبات ایران با عراق و جهان اسلام موجب شده است که با دقت در متغیرهای تأثیرگذار بر روندهای کنونی، مجموعه‌ای متغیر، متناقض

و متقارن از بنیان‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران با عراق نوین را ایجاد نموده و در مجموع اهمیت و حساسیت تصمیم‌سازی در این زمینه را افزایش داده است.

رویکرد نظری

از رویکردهای سنتی در روابط بین الملل، نظریه ژئوپلیتیک است که به بررسی ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا یا ریشه‌های جغرافیایی قدرت ملی و میزان امکان تغییر عوامل زیست محیطی در جهت رفع نیازهای انسانی و ملی می‌پردازد (Faltzgraf, 1993: 45-42). قدرت ملی و کنترل سرزمینی کانون این نظریه است. ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه پدیده‌های سیاسی بر اساس رابطه فضایی و مکانی آنها و همچنین وابستگی و تأثیر آنها بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی است که موضوع علم جغرافیایی انسانی به طور عام می‌باشد؛ لذا ژئوپلیتیک به عنوان یک مفهوم تحلیل سیاست خارجی به توضیح چگونگی تضمین سیاست خارجی کشورها بر پایه عوامل جغرافیایی یا نقشی که این عناصر در شکل‌گیری آن ایفا می‌کنند، می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک، رویکردی به سیاست خارجی است که بر اساس محیط فیزیکی و جغرافیایی به تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی و توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی کشور مبادرت می‌کند.

این عوامل جغرافیایی شامل کلیه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با جغرافیای کشور اعم از انسانی و غیرانسانی می‌شود. عوامل جغرافیایی مادی از محیط فیزیکی کشور ناشی می‌شوند و عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمینی، منابع طبیعی، آب و هوا، شکل سرزمینی، پستی و بلندی یا توپوگرافی و مرزها را دربرمی‌گیرد. عناصر انسانی که از ویژگی‌های جمعیتی کشور سرچشمه می‌گیرد، شامل عواملی چون پیشینه و تجارت تاریخی، تحولات سیاسی / اجتماعی، فرهنگ سیاسی، بافت قومی و نژادی و مذهب می‌شود (Firoozabadi, 2010: 32-31). بنابراین، نظریه پردازان ژئوپلیتیک استدلال می‌کنند که عوامل جغرافیایی، به ویژه موقعیت جغرافیایی هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی آن دارد. آنها رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط و وضعیت جغرافیایی آنان می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران ملی را در چهارچوب الزامات ژئوپلیتیک تحلیل می‌کنند؛ زیرا وضعیت جغرافیایی، قوام دهنده گزینه‌های موجود برای کشور است و انتخاب‌های آن را در حوزه سیاست خارجی محدود می‌سازد. لذا، تداوم و استمرار سیاست خارجی ایران را بر اساس این چهارچوب مفهومی می‌توان تحلیل و تبیین کرد، زیرا سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی در عین تغییر و تحول از استمرار و ثبات نسبی برخوردار است که معلول ویژگی‌ها و متغیرهای ثابت جغرافیایی (اعم از انسانی و غیرانسانی) آن می‌باشد؛ بنابراین، در بکارگیری این رویکرد نظری برای مطالعه و شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ضروری است (همان: ۳۴-۳۲). ژئوپلیتیک شاخه‌ای است از جغرافیای سیاسی و به آن بخش از معرفت بشر اطلاق گردید که به معلومات ناشی از ارتباط بین جغرافیا و سیاست مربوط می‌شود. این شاخه علمی از زمان وضع آن، طی یک قرن گذشته، از نظر مفهومی و فلسفی دچار شناوری و گاهی رکود بوده و همانند برخی رشته‌های علمی دیگر هنوز بر سر موضوع و ماهیت آن اتفاق نظر وجود ندارد. ژئوپلیتیک هر واحد سیاسی یکی از کاتالیزورهای سیاست قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین الملل است. در این راستا، شاخص‌های گسست و پیوند در سیاست خارجی کشورها، وابستگی عمیق و قابل توجهی

به ویژگی‌ها و مختصات ژئوپلیتیک یک کشور دارد. شکل‌گیری همگرایی و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای زمانی و مکانی مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیک است.

برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به طور مشخص بر اساس امتیازهای محیط جغرافیای این کشورها تعیین می‌شود و بهره‌بردن از این برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی‌های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین‌الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین‌المللی است. موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی می‌تواند سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (Ahmadpour et al., 2010: 3).

ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، می‌باشد. از این جهت ژئوپلیتیک به عنوان یک عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص سازد (Qalibaf et al., 2008: 55). در تلقی بین‌المللی، از قدرت به عنوان موتور محرکه نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولت‌ها برای کسب منافع و رفع تهدیدها یاد می‌شود. مهمترین خصیصه قدرت، پویایی است؛ این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل، پیوسته تغییر پیدا کند. درک ژئوپلیتیکی نسبت به نظام بین‌الملل به عنوان شاکل‌ی برآمده از قدرت و تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بینشی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌ها است. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چهارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاستگذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیکی جهانی و روابط قدرت بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (Qalibaf et al., 2008: 55).

محیط مورد مطالعه

عراق یکی از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود که از نظر جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و نظامی از اهمیت زیادی برخوردار است. این سرزمین همواره به دلیل موقعیت استراتژیکی مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است (Mohammadipoor et al., 2019).

موقعیت جغرافیایی عراق به گونه‌ای است که به لحاظ برخورداری از عوامل مختلف ژئوپلیتیکی دارای بسترهای لازم برای ایفای نقش مؤثر در منطقه خاورمیانه و جهان می‌باشد. عراق در منتهی‌الیه شمال غربی خلیج فارس واقع شده و کوتاه‌ترین مسیر و پل مواصلاتی اروپا با خلیج فارس (بزرگترین ذخیره گاه منابع استراتژیک نفت و گاز دنیا) محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، عراق همواره از نظر تاریخی با درک عمیق از ژئوپلیتیک خود، به دنبال کسب برتری و اعتلاء در بین کشورهای منطقه بوده است (Ghorbani Nejad, 2009).

به لحاظ ژئواستراتژیکی، سرزمین عراق از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی بارزی برخوردار است که ترکیب و حاصل تأثیرگذاری آنها بر عملکرد دولتمردان و سیاست خارجی این کشور، خالق شرایط منحصر به فردی در منطقه بوده است؛ این شرایط طی چند دهه اخیر موجب تحولاتی در سطح منطقه و کشور عراق گردیده که نهایتاً تغییرات ژئوپلیتیکی قابل توجهی را در این کشور رقم زده

است یکی از ویژگی‌های ژئوپلیتیک بارز عراق بافت جمعیتی - فرهنگی آن است (Pourhossein and Akhbari, 2009). به لحاظ ژئواستراتژیک، این ویژگی‌های ژئوپلیتیکی از چنان قابلیت انعطاف - همگرایی و در مقابل سختی - واگرایی با محیط پیرامونی برخوردار است که می‌توان برای آن نقش تعیین کننده‌ای در دورنمای ژئوپلیتیک خاورمیانه متصور بود. از لحاظ ساختار قومی جمعیت عراق به طور عمده مرکب از اعراب، کردها، ایرانیان، آشوریان، ارمنه، ترکمن‌ها و ترک‌ها می‌باشد. قوم عرب که از نژاد سامی است ۷۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهد و اکثریت آنها شیعه هستند. کردها که از نژاد آریایی هستند و در طول تاریخ، سنت‌ها، آداب، فرهنگ و زبان خود را حفظ نموده‌اند، در منطقه شمال عراق سکونت دارند و حدود ۱۸ درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند. اکثر آنها نیز سنی می‌باشند. عراق به لحاظ تاریخی میدان منازعه دو امپراطوری ایران و عثمانی طی قرن‌های ۱۵ و ۱۶ بوده است. ایالت‌های موصل، بصره و بغداد طی ۲۴۵ سال (تاجگذاری شاه اسماعیل صفوی در ۱۵۰۱ میلادی تا قرارداد کردان) بارها بین ایران و عثمانی دست به دست شدند و در دهه دوم قرن ۲۱ نیز با سقوط صدام حسین، ژئوپلیتیک عراق دروازه تأثیرگذاری ایران بر تحولات منطقه خاورمیانه و رویارویی ایران و آمریکا، همچنین ایران و رقبای منطقه‌ای نظیر عربستان و ترکیه گردید (Jamshidi et al., 2018).



نقشه ۱: موقعیت کشور عراق

Source: <https://www.worldometers.info>

سابقه تاریخی

سرزمین عراق از نخستین مراکز تمدن بشری است. تمدن شناخته شده در بین‌النهرین مربوط به ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد است، یعنی زمانی که قوم سومر از مسکن محدود خود مهاجرت کردند و در دشتهای اقامت گزیدند و از مزایای کشاورزی و آبیاری بهره‌مند شدند. بدین ترتیب ساکنان حوزه‌های دجله و فرات، نخستین کسانی بودند که شیوه زندگی روستایی و بیابانی را رها کردند و زندگی شهری را آغاز نمودند. تمدن سومری از ۲۸۰۰ تا ۲۰۰۶ قبل از میلاد ادامه یافت، تا در این سال توسط سلسله

آمورها سقوط نمود. سلسله بعدی هیت‌ها بودند که از آسیای صغیر وارد بین‌النهرین شده و با تشکیل کاسیت به مدت ۵۰۰ سال تا ۷۲۲ قبل از میلاد بر بین‌النهرین حکومت کردند. آشوری‌ها برای انتقام گرفتن از هیت‌ها از شمال به سمت جنوب هجوم آوردند و سلسله کاسیت را شکست دادند. امپراطوری بابل در سال ۵۳۹ ق.م به دست کوروش منقرض شد. امپراطوری کوروش به دست اسکندر مقدونی پایان یافت و امپراطوری اسکندر بین سرکردگان سپاه وی تقسیم شده و ایران و مصر به سلوکوس سرسلسله سلوکی داده شد و سلوکی‌ها به دست اشکانیان از بین رفتند و امپراطوری اشکانی در سال ۲۱۶ میلادی منقرض گردید و بخش شرقی آن در اختیار ساسانیان و قسمت غربی به دست رومیان افتاد (Khosrow et al., 2018). با ظهور دین مبین اسلام، امپراطوری ساسانی مغلوب مسلمانان شد، پس از رحلت حضرت رسول (ص)، سپاه اسلام سرزمین بین‌النهرین را تصرف کرد و مردم آن، اسلام را پذیرفتند و نام عراق بر این سرزمین گذارده شد. سپس به تصرف امپراطوران عثمانی درآمد و پس از شکست عثمانی‌ها، در پایان جنگ جهانی اول، سرزمین عراق زیر نظر دولت انگلیس قرار گرفت و در سال ۱۹۳۲ میلادی استقلال پیدا کرد و رژیم سلطنتی امیرفیصل در آن کشور برقرار شد (Akhbari, 2017).



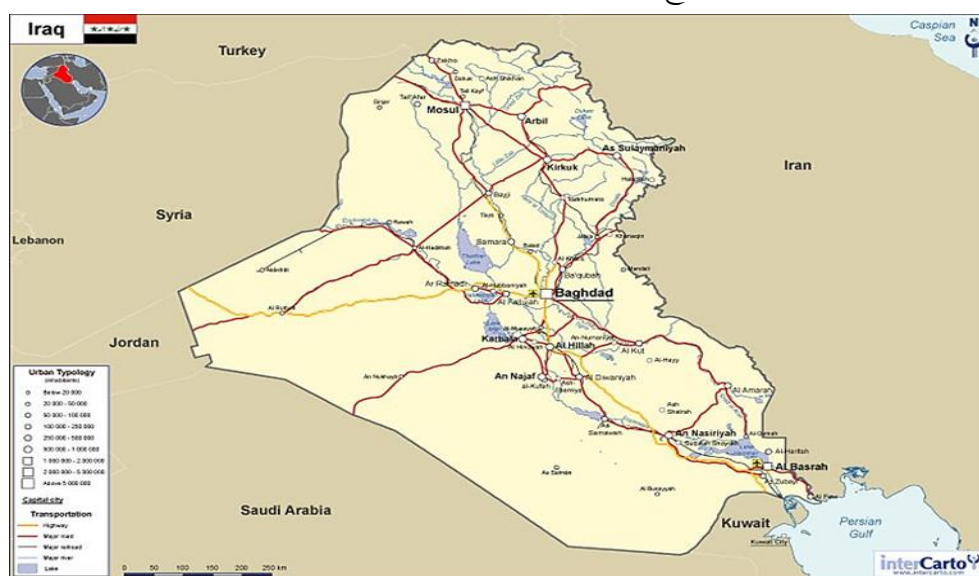
نقشه ۲: مرز ایران و عراق

Source: <https://en.wikipedia.org>

رژیم سلطنتی عراق، در سال ۱۹۵۸ میلادی در اثر کودتای نظامی عبدالکریم قاسم برچیده شد و پس از کشتار خاندان فیصل، عبدالکریم قاسم به ریاست جمهوری رسید و پس از او عبدالسلام عارف و سپس برادرش عبدالرحمن عارف و احمد حسن البکر و سپس صدام حسین به ریاست جمهوری رسیدند (Safavi, 1999: 198).

ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق

سرزمینی که امروز به نام عراق موسوم است در دوران قبل از اسلام، بیش از ۹ قرن جزء خاک ایران بوده و پایتخت شاهان ایران، مانند تیسفون (مدائن) در آن قرار داشت. شاهنشاهی هخامنشی به تحقیق بسیاری از محققان، اولین امپراطوری جهان است که سی ملت را زیر چتر یک سازمان سیاسی قرار داد و برای اداره آن تدابیر تحسین‌انگیزی اتخاذ نمود (Parsadoost, 1990: 28). بعد از اسلام سرزمین فعلی عراق که بین‌النهرین نامیده می‌شد مرکز خلافت اسلامی گردید و بغداد پایتخت آن، از اعتبار خاصی برخوردار شد. پس از حمله مغول و انقراض سلسله عباسی، بغداد و سرزمین بین‌النهرین شکوه گذشته را از دست داد و در چهار قرن اخیر، بین‌النهرین مورد منازعه ایران و عثمانی بود ولی به‌طور عمده بخشی از متصرفات عثمانی را تشکیل می‌داد و فاقد استقلال بود. پس از شکست امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول، دولت انگلستان در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ کشوری به نام عراق به‌وجود آورد که تا سال ۱۹۳۲ تحت قیمومیت انگلستان قرار داشت و از آن تاریخ استقلال خود را به دست آورد (Ibid: 1).



نقشه ۳: نمایی از کشور عراق Source: <https://www.mapanddata.com>

پس از آنکه سلطان محمد دوم ملقب به محمد فاتح امپراطوری رم شرقی (دولت بیزانس) را در ۲۹ مه ۱۴۵۳ م منقرض ساخت و کنستانتین نوپل (استانبول فعلی) پایتخت آن را مسخر کرد، دولت و مردم ایران دریافتند که به طور جدی با حریف نیرومندی روبرو شده‌اند که از همان اوان علاوه بر جهات همسایگی به‌خاطر دشمنی کینه‌توزانه مذهبی خصم بی‌پروای آنان است. (Parsadoost, 1990: 28). تشکیل دولت صفوی در اوایل قرن شانزدهم و اعلام مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور دولت سنی مذهب عثمانی را سخت علیه ایران برانگیخت، شاه اسماعیل در ژوئیه ۱۵۰۱ در تبریز تاجگذاری کرد و مذهب تشیع را مذهب رسمی ایران اعلام نمود. در این زمان اکثریت مردم تبریز و اردبیل و اکثریت مردم آذربایجان سنی مذهب بودند. (Ibid: 29) کوشش مستمر شاه اسماعیل صفوی و شاهان صفوی برای تقویت مبانی مذهب شیعه و اشاعه آن ضمن آنکه به

علت تعصبات مذهبی با خشونت همراه بود و همین خصوصیت زیان‌هایی به بار آورد، در عین حال نشانه واقع‌نگری سیاسی آنان در آن زمان است. شاه اسماعیل و مخصوصاً شاه عباس اول کوشیدند که با ایجاد استقلال مذهبی از دنیای اسلام تسنن استقلال سیاسی ایران را حفظ کنند و ایران را از پیروی از قدرت بزرگ سنی مذهب آن روز (امپراطوری عثمانی که ادعای خلافت بر مسلمانان را می‌نمود) دور نگه دارند (اقدام راهبردی فوق‌بیانگر تفکر ژئواستراتژیکی این دو پادشاه صفوی است). سلطان سلیم اولین پادشاه عثمانی بود که تصمیم گرفت بر خلاف سایر حکام عثمانی که به غرب و سرزمین‌های اروپایی لشکرکشی کردند، به جنوب، مکه و مدینه و شرق (ایران) حمله کند. او در حمله به ایران چهل هزار نفر از شیعیان ترک را که مقیم خاک عثمانی بودند، به قتل رساند و پیشانی شیعیان زیادی را با آهن گداخته داغ کرد تا از دیگران متمایز شوند. به تحقیق می‌توان گفت تا قبل از برقراری نفوذ اروپائیان و مخصوصاً انگلستان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس مذهب در تداوم اختلاف و بروز جنگ‌های مکرر بین دو کشور نقش عمده‌ای داشته است. کارگزاران عثمانی در بین‌النهرین با ایرانیانی که قصد زیارت عتبات عالیات را داشتند بدرفتاری می‌کردند و ایرانیان نیز علاقه داشتند شهرهای مذهبی خویش را در داخل مرزهای خود داشته باشند (Ghasemi et al., 2017).



نقشه ۴: تقسیمات داخلی کشور عراق

Source: <https://www.britannica.com>

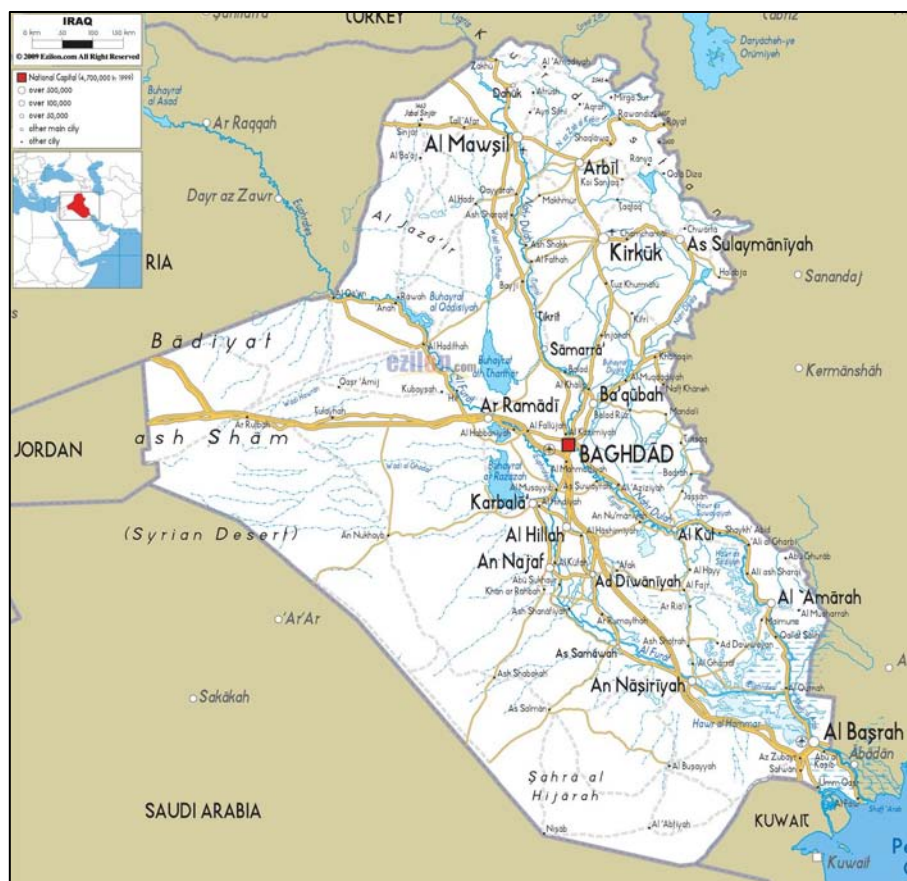
از انعقاد قرارداد آماسیه در ۲۹ مه ۱۵۵۵ تا ششم مارس ۱۹۷۵ (قرارداد الجزایر) ۱۸ قرارداد مرزی در طول ۴۲۰ سال بین ایران و همسایه غربی آن منعقد گردید. کثرت تعداد قراردادها و طول مدت اختلاف نشان دهنده ریشه دار و عمیق بودن اختلافات ایران با همسایه غربی است. شاه عباس اول پس از فرونشاندن شورش حکام محلی چون متوجه قدرت امپراطوری عثمانی بود در صدد تشکیل اتحادیه از کشورهای اروپایی علیه آن بر آمد (نادریان و همکاران، ۱۳۹۶) امپراطوری عثمانی که در زمان سلطان سلیم اول و سلطان سلیمان خان قانونی توسعه بسیار یافته بود در زمان سلطان محمد سوم با تصرف نواحی بسیاری از ایران به غایت اوج خود رسیده بود این امپراطوری وسیع در اروپا کلیه کشورهای بالکان تا سواحل دریای آدریاتیک نزدیک شهر ونیز از سوی دیگر تا شمال مجارستان را در بر می‌گرفت و از جانب شمال شرقی سرحدات عثمانی از استپ‌های کریمه تا دریای آزوف و کنار رود دن ادامه داشت. در آسیا شامل آسیای صغیر، سراسر ارمنستان، گرجستان، آذربایجان و قسمت اعظم غرب ایران و کشورهای ساحل مدیترانه و در آفریقا سراسر کرانه‌های شمالی مدیترانه از مصر تا الجزایر را در اختیار داشت. شاه عباس برای استرداد اراضی ایران مصمم بود که با چنین قدرتی زور آزمایی کند (Parsa Doust, 1990: 48). شیخ الاسلام استانبول اعلام داشته بود «قتل یک شیعه ثواب ۷۰ عیسوی دارد» و چون سنیان عثمانی شیعیان را کافر می‌دانستند طبق فتوای روحانیان سنی «برده ساختن و فروختن شیعیان کافر مجاز بود». از سوی دیگر در زمان صفویه دشنام به سه خلیفه رایج شده بود و ترکان عثمانی نیز متقابلاً شیعیان را کافر می‌دانستند به همین جهت به زوار ایرانی کربلا و نجف آزار بسیار می‌رساندند، آنان را می‌کشتند و به زنان آنان تجاوز می‌کردند (Ghasemi et al., 2017).

عروبه و ناسیونالیسم عربی در سال‌های حکومت حزب بعث تلاش نمود دشمنی عراقیان عرب با ایرانیان را نهادینه کند و مدعی بود که مردمان سرزمین بین‌النهرین در طول تاریخ دروازه شرقی امت عرب علیه ایرانیان را حفظ کرده‌اند. در کتاب‌های درسی کودکان به آنها تلقین می‌شد که کوروش پادشاه پارس به حمایت از یهود و برای رهایی زندانیان آنها که توسط نبوخذ نصر (بخت‌النصر) پادشاه عرب بین‌النهرین به بند کشیده شده بودند به سرزمین دجله و فرات حمله کرد و در جای دیگر حمله هلاکوخان مغول به بغداد را ناشی از توصیه خواجه نصیرالدین طوسی وزیر ایرانی هلاکوخان، به کودکان و نوجوانان عراق معرفی می‌کردند. «انت همنا علی الفرس المجوس» تکیه کلام «برپا- برجای» کلاس درس دانش‌آموزان عراق شد. تا اینکه این نگاه ضدایرانی و ضد ایدئولوژیک به یک جنگ ۸ ساله خانمان سوز بین دو ملت تبدیل شد و این درحالی است که ایوان مداین، کاخ تیسفون، سازندگی‌های شاپوراول در عراق و خدمات صفویه و قاجار با وجود سیاست‌های ضدایرانی، اسلامی پنجاه‌ساله بعث در عراق بر تارک فرهنگ و تمدن مردمان سرزمین بین‌النهرین به صورت آشکار و نهان می‌درخشد (Mottaqi, 2016).

هم‌اینک هنگامی که در خیابان‌ها و اماکن تجاری سلیمانیه، اربیل، دهوک، کربلا، نجف، بصره، کوت، عماره و ناصریه قدم می‌زنی، فرهنگ و معماری ایرانی که در ساخت قلعه‌ها و ساختمان‌ها نمود دارند چشم‌نوازی می‌کند. در بسیاری از اماکن مذهبی مرکز و جنوب این کشور نظیر کاظمین، کربلا و نجف بر پیشانی کاشی‌کاری‌های اماکن متبرکه جمله سلطان ابن خاقان ابن خاقان، پادشاه ایران زمین، فلان بن فلان چشم‌نوازی می‌کند. فرهنگ و زبان ایرانی بر مردمان عراق به ویژه مردم جنوب و شمال این کشور آن‌چنان تأثیر داشته است که با نبود حروف «گ»، «چ»، «پ» و «ژ» در زبان عربی، اسامی چلبی، پاچه چی، پارچ،

چادر و... در بین مردم عراق رایج است. آنها از کلماتی مانند سرداب، قاشق، پنکه، قیمة و... به تبع تأثیر فرهنگ و زبان ایرانی استفاده می‌کنند (Mohammadipoor et al., 2019).

علی بابا و چهل دزد (اربعین حرامی) و شهرزاد قصه گو از جمله میادین مرکزی بغداد هستند. حسینیه‌های اصفهانی‌ها، یزدی‌ها، قمی‌ها و... هنوز در کربلا و نجف پا برجا است. با این وجود ناسیونالیسم عربی که نماد آن در حزب بعث تجلی یافته بود به دنبال نفی تأثیرات عمیق فرهنگ ایرانی بر جامعه عراق بود و آن‌گونه کردند که جنگی هشت ساله را بر دو ملت تحمیل نمودند. آنها می‌گویند اساساً شیعیان، ایرانیانی هستند که به عراق آمده‌اند و یا کوچ داده شده‌اند و ثانیاً شیعه یک حزب و یک طایفه ایرانی است که در اثر مبارزات ناسیونالیستی ایرانیان بر ضد اعراب (به دلیل حمله اعراب مسلمان در صدر اسلام بر سرزمین پارس و اسلام اجباری ایرانیان) به وجود آمده است (Ghorbani Nejad, 2019).



نقشه ۵: مناطق مرزی ایران و عراق

Source: <https://www.ezilon.com>

یافته‌های پژوهش

مزیت‌های ژئو اکونومیکی و تنگناهای ژئوپلیتیکی

الف- مزیت‌های ژئو اکونومیکی: در نگرش ژئواستراتژیک ایران، از جمله ابعاد اهمیت عراق پتانسیل‌های ژئو اکونومیکی آن است. کشور عراق در منطقه نفت خیز و استراتژیک خلیج فارس که در نظریه‌های ژئوپلیتیکی کانون بیضی استراتژیک انرژی دنیا نام گرفته، واقع شده است. ذخایر بزرگ نفت عراق که در مناطق شمالی و جنوبی این کشور واقع شده است این کشور را به

دومین دارنده ذخایر انرژی دنیا تبدیل کرده است. توزیع جغرافیایی این منابع استراتژیک بر حسب انحصار نسبی آنها در دست کردها و اعراب شیعی است که به لحاظ ژئوپلیتیکی حساسیت ویژه‌ای به این موضوع، بخشیده است. علاوه بر این، از بعد ژئواکونومیک، نه تنها بازار مصرف عراق در مسیر بازسازی عراق و رشد و توسعه آن از پتانسیل بالایی برای اقتصاد ایران برخوردار است، بلکه می‌تواند به عنوان دروازه ارتباطی اقتصاد ایران با اقتصادهای سوریه و لبنان باشد. این در شرایطی است که به دلیل تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در دسترسی به بازارهای بین‌المللی و ناامن بودن مسیرهای ترکیه، اردن، سوریه و عربستان، بازار مصرفی عراق ظرفیت انحصاری شدن برای ایران را دارد. روی این اصل، می‌توان فضای جغرافیایی عراق-ایران در شرایط تحریم‌های ایران و اوضاع امنیتی عراق را به‌نوعی مکمل ژئواکونومیک یکدیگر در نظر گرفت (Pourhossein and Akhbari, 2019).

ب- تنگناهای ژئوپلیتیکی:

۱- مشکل دسترسی به آب‌های آزاد: عراق کشوری تقریباً محاط در خشکی است. طول ساحل اصلی عراق در خلیج فارس از حدود ۱۵ کیلومتر تجاوز نمی‌کند در نتیجه محدودیت در دسترسی عراق به آب‌های آزاد که ناشی از طول اندک آن کشور در خلیج فارس است از دشواری‌های کشتی‌رانی در اروندرود (شط‌العرب) سرچشمه می‌گیرد.

۲- عراق تنها کشور عمده تولید کننده نفت است که فاقد دسترسی آزادانه به دریاست و برای صادرات نفت خود همواره وابسته به لوله‌های نفت و کشورهای همسایه است (Jamshidi et al., 2018).

۳- عراق با مشکل آب رودخانه‌های دجله و فرات نیز روبروست. با وجود اهمیت این دو رود مهم در حیات اقتصادی آن کشور، ۸۰ درصد آب آنها خارج از مرزها سرچشمه می‌گیرد و با تدابیری که دو کشور ترکیه و سوریه برای احداث سد و محدود نمودن آب این دو رود حیاتی عراق ایجاد نموده‌اند ضربه‌های جبران ناپذیری به فعالیت کشاورزی عراق وارد گردیده است (Hosseini et al., 2011: 13). دو عامل تاریخ و جغرافیا نشان می‌دهند که این دشت رسوبی حاصلخیز همواره مرکز کشش اقوامی بوده است که از کوه و صحرا به طرف آن سرازیر شده اند هیچ عامل و طرفی با هم‌میزان حجم مشترکات هنگامی که از نظر جغرافیایی به عراق وابسته نباشد و مرکزیت آن را نپذیرد، شایستگی پیروی و تبعیت ندارد. قفس جغرافیا برای عراقی‌ها تنگ است و کشورشان نباید به دور از دریا و ساحل بماند. چنین باور و احساسی پدیده «رفتارشناسی محاصره» را به وجود می‌آورد. طبق این پدیده عراق مثل پلنگی در قفس است و تمام همسایگانش مصلحت را در آن می‌بینند که این پلنگ در قفس باقی بماند تا مبادا آسیبی به آنها برساند (Khosrow et al., 2018).

وضعیت عراق هیچ‌وقت از دو احتمال خارج نبوده است: «یا در حال حمله یا هدف حمله». در تضاد این تحمیل و دفع «رفتارشناسی تمرد» شکل گرفته است و همین پدیده، بعدها توسعه یافته و حکومت را به عنوان حاصل همین حمله و تحلیل (رفتار تمرد) و نه برخاسته از درون جامعه دربر گرفته است (Akhbari, 2017). عراق هرگز نمی‌تواند از منطقه همسایگی خویش بگریزد. ژئوپلیتیک، تقریباً به اندازه رژیم حاکم در بغداد، به سیاست خارجی عراق شکل می‌بخشد و انتخاب‌هایی را که حتی بی‌خطرترین حاکم می‌تواند برگزیند، محدود می‌سازد. مناقشه بر سر آبراه شط‌العرب (اروندرود) به طور خاصی در دسرساز است. موافقتنامه ۱۹۷۵ بر سر شط‌العرب (اروندرود) از پشتیبانی ناچیزی در عراق برخوردار است (Bye Me and Hafezian, 2002: 184).

تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق نوین و محصور بودن بین همسایگانی نظیر ترکیه، اردن، عربستان و کویت که هریک به نوعی با حکومت شیعی عراق در تضاد و تعارضند، فرصت ژئواستراتژیکی ویژه‌ای را برای ایران فراهم نموده است.

ضعف انسجام و هویت ملی در عراق

کشور عراق در سال ۱۹۲۰ میلادی در حالی ایجاد شد که سه واحد تشکیل دهنده آن موصل، بغداد و بصره سابقه زندگی اقتصادی، اجتماعی مشترک در چارچوب یک واحد سیاسی را نداشتند و ضمن داشتن فرهنگ و گرایش‌های متفاوت به طور مجزا و مستقل از هم اداره می‌شدند. از سوی دیگر دولت‌های عراق طی ۸ دهه گذشته از ایجاد یک هویت ملی ناتوان بوده اند (Khalili et al., 2011: 11). در سال ۱۹۳۳، ملک فیصل اول، نخستین حاکم عراق، خاطرنشان ساخت: «هنوز هیچ ملت عراقی وجود ندارد، بلکه تنها توده‌های غیر قابل تصور موجودات بشری وجود دارند که از هرگونه آرمان میهن‌پرستانه تهی هستند، با هیچ پیوند مشترکی با یکدیگر مرتبط نیستند، گوش به شیطان می‌سپارند، مستعد هرج و مرج هستند و همواره آماده شورش علیه هر نوع حکومتی می‌باشند» (Byeman and Hafezian, 2002: 186).

ضعف انسجام و هویت ملی در دوران حکومت اقتدارگرایانه بعث در سایه ایدئولوژی سوسیال ناسیونالیسم و سرکوبگری‌های وحشیانه، به آتش زیر خاکستر تبدیل گردیده بود که با فروپاشی این رژیم به سان تیری از چله کمان رفته، آن‌گونه شد که از سال ۲۰۰۳ تا کنون جنایات و فجایعی به دست مردمانی از یک جغرافیا علیه مردمان و هم‌نوعان خود صورت می‌گیرد که شاید تاریخ نمونه آنها را سراغ نداشته باشد. با توجه به اوضاع و شرایط خاص ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی عراق و تداخل امور و همچنین با مشخصات جغرافیایی پیرامونی که قومیت‌های مختلف و نظام‌های سیاسی مختلف با جغرافیا و تاریخ و منافع مشترک را در خود جای داده است، اداره چنین کشوری کاری بس دشوار است. اگر راه ریاست برای تمام قشرهای مردم عراق باز بود این کشور هیچ‌وقت دچار گرایش‌ها و کشمکش‌های طایفه‌ای نمی‌شد (Jafari, 2011: 17). از زمان تشکیل اولین دولت در عراق پس از انقلاب ۱۹۲۰، دولت‌های بعدی روش‌های خاص خود را برای اداره این کشور اعمال کردند اما هیچ‌یک نتوانستند روش و مشی جدیدی برای یکپارچه‌سازی این تنوع جمعیتی ابداع و دیدگاه روشنی از وابستگی و هویت ایجاد کنند (Ghasemi et al., 2017).

فقدان اجماع در خصوص ماهیت دولت در میان گروه‌های عراقی مهم‌ترین چالش ساختاری عراق است، به گونه‌ای که کردها قائل به دولت عراق به صورت یک واحد سیاسی دارای پیشینه تاریخی و همیشگی که خود نیز جزئی از آن باشند، نیستند و تنها بنابر ضرورت‌های موجود در این چارچوب فعالیت می‌کنند. سنی‌ها نیز تنها دولت عراق را با هویت سنی عربی می‌پذیرند و از هر فرصتی برای دگرگونی شرایط و ساختار سیاسی عراق استفاده می‌کنند (Asadi, 2011: 63). نبود انسجام ملی، بی‌ثباتی و ناامنی مهم‌ترین مشخصه جغرافیای سیاسی عراق را شکل می‌دهد و این بی‌ثباتی علاوه بر اینکه می‌تواند آینده فعالیت‌ها و همکاری‌ها اقتصادی هر کشوری را در عراق کاملاً تحت تأثیر قرار دهد بر حسب پیوستگی جغرافیایی - فرهنگی عراق با محیط پیرامونی، قابلیت گسترش در کشورهای پیرامونی را نیز داراست. ضعف انسجام و هویت ملی در عراق نوین موجب آن شده است که علیرغم آنکه عراق از مؤسسين اتحادیه عرب است، عربستان تاکنون سفارت خود را در این کشور بازگشایی نکرده، روابط کشورهای امارات، قطر و کویت با این کشور از رقابت به تعارض نزول کرده، ترکیه در رقابت با ایران به دنبال توسعه وضعیت

است و در مجموع ایران از این ضعف و چالش هویتی عراق به عنوان یک فرصت بهره‌برداری نموده است (Nadrian et al., 2017).

اکراد

به لحاظ ارزش‌های جغرافیایی- فرهنگی، یکی از ویژگی‌های ژئواستراتژیک عراق منطقه کردنشین شمال عراق می‌باشد. اصولاً، فضاهای جغرافیایی مختلف جهان در ابعاد سه گانه داخلی، منطقه ای و جهانی بر حسب موقعیت جغرافیایی، وضعیت ژئوآکونومیکی و ژئوپلیتیکی و همچنین ویژگی‌های فرهنگی آن‌ها از جایگاه راهبردی متفاوتی برخوردارند و بر این اساس نقش متفاوتی در اعمال سیاست‌ها بازی می‌کنند. این موضوع را از جهات مختلفی می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. اهمیت ژئواستراتژیک شمال عراق تنها به آنچه که گفته شد خلاصه نمی‌شود. هرچند کردها در زمان صدام در ساختار سیاسی عراق مشارکت چندانی نداشتند، اینک در قالب دو حزب اصلی کردی یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، بعد از ائتلاف بزرگ شیعیان در پارلمان عراق از جایگاه ویژه ای برخوردارند (Ghasemi et al., 2017).

کردها در دوره پس از صدام با انسجام و هماهنگی در عرصه سیاست عراق عمل کرده و شاید بتوان گفت، بیشترین منفعت از روند سیاسی عراق نصیب آنها بوده است. گروه‌های کرد در طی این مدت دو هدف اصلی یعنی حضور حداکثری در نهادهای حکومت مرکزی و کسب حداکثری خودمختاری در شمال عراق را دنبال کرده و می‌کنند. در همین راستا، تصویب فدرالیسم کردی با سطح بالایی از خودمختاری و استقلال در قالب قانون اساسی و تحقق بخش عمده آن، اصلی‌ترین دستاورد گروه‌های کرد عراق محسوب می‌شود. اینک کردها در شمال عراق دارای پارلمان، حکومت و نیروهای امنیتی کردی هستند و در جهت کسب امتیازات بیشتر در این حوزه فعالیت می‌کنند. در نگرش ژئواستراتژیک ایران به عنوان حامی اکراد از زمان رژیم گذشته در سطح منطقه، از یک طرف تشکیل حکومت خودگردان شمال عراق به عنوان یک پدیده سیاسی- فضایی در سطح خاورمیانه را می‌توان نقطه آغاز روند تکامل دموکراسی و تشکیل دولت‌های محلی همراه با حفظ تمامیت و استقلال کامل کشورهای منطقه در نظر گرفت و از طرف دیگر، اگر این روند با هوشیاری و اتخاذ سیاست‌های منطقی دنبال نشود می‌تواند به عنوان منبع الهام بخش واگرایی، خالق بزرگترین چالش ژئوپلیتیکی ایران، ترکیه و دیگر همسایگان عراق باشد (Mottaqi, 2016).

شطرنج فضایی- سیاسی عراق به گونه‌ای است که در این سرزمین، برخلاف شیعیان و سنی‌ها که از حمایت نسبی کشورهای منطقه برخوردارند، کردها ضمن حمایت‌های ایران در مقاطع مختلف زمانی فاقد حمایت منطقه‌ای قدرتمندی هستند. این مسئله کردها را به سوی همکاری استراتژیک و کسب حمایت فرامنطقه‌ای از سوی آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای اروپایی سوق داده است. روی این اصل، به تبع پیوستگی فضایی- فرهنگی عراق با کشورهای پیرامونی، کردستان عراق به تقاطع و محل همپوشی تعلقات و علایق ژئوپلیتیکی کشورهای مجاور و بازیگران فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. کردها از قرون گذشته عاملی بودند که در تیرگی روابط ایران با همسایه غربی خود دخالت مؤثر داشته‌اند و بسیاری اوقات موجبات مخاصمه و حتی جنگ بین دو کشور را موجب شده‌اند از جمله دلایلی که صدام برای لغو قرارداد ۱۹۷۵ بیان می‌دارد دعوت از پسران ملا مصطفی بارزانی و سایر رهبران کرد و حمایت از آنان را عنوان می‌کند. (Parsa Doust, 1967: 67)

اکراد عراق چون آریایی‌اند، احساس تعلق و قرابت بیشتری با ایران نسبت به اعراب دارند و در طول تاریخ هرگاه مورد ظلم و ستم حکومت‌ها قرار گرفته‌اند به دامان ایران پناه آورده‌اند. جلال طالبانی رئیس‌جمهور سابق عراق در مصاحبه با محقق گفت: در روز بزرگداشت شهدای حلبچه و روبروی یادمان این حادثه به رامسفیلد وزیر دفاع وقت ایالات متحده گفتم ما از شما متشکریم که ما را از صدام رهایی دادید لیکن ایرانی‌ها هم همسایه ما هستند و هم دوست و یار روزهای حلبچه ما. مع‌الوصف نگاه به اکراد در جامعه اهل سنت و حتی تشیع عراق آن است که اکراد به دنبال سهم‌خواهی بیشتر در فدرالیت و نهایتاً تجزیه عراق هستند به گونه‌ای که دکتر جعفری وزیر خارجه فعلی عراق می‌گوید: جلال طالبانی به عنوان یک رئیس‌جمهور عراق شد نه یک عراقی و انتصاب وی به این قسمت بر اساس انتصاب‌های فرقه‌ای بوده است (Jafari, 2011: 99).

هرچند کردستان عراق از نظر تاریخی، هویتی و نژادی دارای پیوندهای ناگسستی با ایران است و در طول دهه ۱۹۸۰ دو حزب اصلی کردها از متحدین ایران در جنگ علیه بعثی‌ها بودند و همچنان روابط دوستانه‌ای با ایران دارند، اما در سال‌های اخیر ترک‌ها از منظر سیاسی و اقتصادی حلقه حضور ایران در کردستان عراق را تنگ‌تر کرده‌اند. کردهای عراقی اینک بیشترین روابط اقتصادی را با ترکیه دارند و این موضوع ترک‌ها را در مقابل ایران و سایر رقبا در یک موقعیت برتر ژئوپلیتیکی در شمال عراق قرار داده است. تحولات اخیر سوریه و موضعگیری اردوغان در خصوص تحولات منطقه اهل تسنن و بالا بردن عکس وی در کنار عکس‌های صدام در رمادی به موقعیت ترکیه نزد دولت و اکثریت مردم عراق آسیب وارد کرده است. تحولات سال‌های اخیر در عراق بر وزن ژئوپلیتیکی کردها تأثیرگذار بوده و علاوه بر دستیابی کردها به خودمختاری به نحو چشمگیری موجب مشارکت مؤثر آنها در قدرت سیاسی عراق بوده است. در حال حاضر، کردها بر خلاف گذشته که بیشتر به عنوان یک نیروی چالشگر قدرت مرکزی در عراق معروف بودند، خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند، لیکن نگاه آنها به تحولات سال‌های اخیر، دوران گذار و عبور از پل فدرالیت به منظور دستیابی به ساحل استقلال است که در این عرصه قدرت‌های منطقه‌ای ایران، ترکیه و سوریه را با چالش‌های جدی روبرو می‌سازند. با عنایت به حضور معارضه‌کردی ایرانی در اقلیم کردستان عراق و پیوستگی جغرافیایی اقلیم با کردستان ایران، کشورمان از این منظر با چالش و تهدید امنیتی عمده‌ای روبروست (Mohammadipoor et al., 2019).

شیعیان (بزرگترین پتانسیل ژئوپلیتیکی پیش روی ایران برای نفوذ در عراق)

ایران پیوندهای معنوی و عقیدتی عمیقی با عراق دارد. علت این پیوند، اشتراک‌های مذهبی بین ایران و بخش عظیمی از جمعیت عراق و نیز وجود اماکن مقدس و حوزه علمیه نجف است. از بعد سیاسی نیز ایران خود را کشور مهم منطقه و صاحب تنها تجربه پیروزی انقلاب اسلامی می‌داند، لذا تنها تجسم عملی اندیشه اسلامی تشیع و مظاهر سیاسی این اندیشه یعنی تشکیل حکومت و دولت به معنای امروزی به حساب می‌آید. اینجاست که تجربه این کشور شایسته توجه و الگوبرداری و الهام گرفتن است (Jafari, 2011: 114). شیعیان عراق علیرغم مشارکت وسیع و عمیق در ساختارهای حکومت بعث و با تفوق اندیشه ناسیونالیسم عربی، در تحکیم پایه‌های حکومت گذشته نقش مؤثری داشته‌اند. مشارکت آنها در جنگ عراق و ایران مؤید این مدعاست. مع‌الوصف حکومت بعث و به‌ویژه اعراب اهل سنت همواره به آنها ایرانیانی کوچانده شده به عراق و عقبه صفویان

در این کشور اطلاق کرده‌اند بنابراین آنها به‌ویژه پس از تحولات سال‌های اخیر سوریه، ایران را عقبه و عمق استراتژیک خود می‌دانند.

شیعیان در عراق موضع واحد ندارند. صدری‌ها مسیر جداگانه انتخاب نموده و در آن سیر می‌کنند، مجلس اعلی نیز به همین ترتیب و دولت قانون نیز به همین صورت. خلاصه اینکه آینده دقیقاً بر ضد شیعه در حال پیشرفت است و این تفرقه و اختلاف باعث تشویق و تحریک اهل سنت گردیده است. اسرائیل و آمریکا تحمل قدرت گرفتن شیعه در عراق را ندارند (Chalabi, 7/11/91). تفرقه، چندگانگی و تضاد اهداف و منافع از شاخصه‌های شیعیان عراق است که طی ۱۰ سال گذشته چندبار آنها را در آستانه و حتی بطن جنگ (درگیری‌های بدریون و صدری‌ها در نجف و کربلا) قرار داده است که با میانجیگری ایران به آن پایان داده شده است. عربستان با قدرت گرفتن شیعیان عراقی از یک سو، نگران حرکت شیعیان در خاک خود می‌باشد و از سوی دیگر، احتمال برپایی حکومتی در عراق که شیعیان در آن نقش مسلط داشته باشند در کنار حکومت شیعی ایران خطری عمده برای عربستان با ایدئولوژی وهابی به شمار می‌آید. (Quarterly Journal of Strategic Studies, September 11, p. 173). شیعیان عراق ج.ا.ایران را عمق راهبردی خود می‌دانند. فقها، مراجع، حرکت جهادی و انقلاب ۱۹۲۰ عراق متأثر از ایران و ایرانیت هستند. ناسیونالیست‌های عرب ابن رومی، ابن خلدون، دعبل خزایی و کمیت ابن زید اسدی را ایرانی می‌نامند. شیخ الجهاد مهدی حیدری، اولین رهبر حرکت استقلال طلبانه بر ضد انگلیسی‌ها شیخ مهدی خالصی، داستان نویس و ادیب عراقی علامه جعفر خلیلی، همچنین نابغه شعر عربی محمد مهدی جواهری همگی به دلیل شیعه بودن متهم به ایرانی بودن هستند. (Hassan Al-Alwali, 2011: 428). مرجعیت شیعه عراق از ابن قولویه (۹۴۰ م) و شیخ صدوق (۹۸۷ م) تا کنون (آیت... سیستانی) بیش از ۴۰ مرجع را تجربه کرده است که نزدیک به ۲۰ تن از آنها نظیر شیخ طوسی، مقدس اردبیلی، شیخ مرتضی انصاری، آخوند خراسانی و محمدکاظم یزدی، ایرانی هستند. البته برخی شیعیان عرب ناسیونالیست در عراق از بیم متهم شدن به همراهی و همکاری با ایران نگاه غیرمنصفانه‌ای به ایران دارند. احزاب و گروه‌های مذهبی شیعی نظیر حزب الدعوه، مجلس اعلی، حزب فضیلت و حتی جریان صدر که شیعه ملی گراست نسبت به ج.ا.ایران نگاه مثبت دارند لیکن برخی رهبران شیعه لائیک و سکولار در ضدیت با ایران از برخی اهل تسنن پیش‌ترند.

تأثیر اشغال عراق بر قدرت ایران

اشغال عراق تأثیر مستقیمی بر قدرت منطقه‌ای ایران داشت زیرا با تضعیف قدرت آمریکا در منطقه و هویت‌یابی و دستیابی شیعیان و کردهای عراق به حکومت در چندین انتخابات عملاً قدرت منطقه‌ای ایران افزایش یافت. بنابراین بازی باخته آمریکا در عراق بیشترین پیروزی را برای ایران داشته است، به گونه‌ای که نه تنها عراق تهدیدی برای ایران نیست، بلکه فرصتی است که تصمیم‌گیرندگان برای عراق و منطقه ناگزیرند نقش ایران را به عنوان بازیگر اصلی و مؤثر در نظر بگیرند چنان که پنج وزیر خارجه آمریکا، با اعتراف اعلام می‌کنند: رئیس‌جمهور آینده آمریکا باید با متحدان کلیدی‌اش همکاری نزدیک و با ایران تعامل داشته باشد و از اختلاف با چین و روسیه بپرهیزد. کیسینجر می‌گوید: من طرفدار مذاکره با ایران هستم.

البرایت: اینکه ما باید با ایران تعامل داشته باشیم جدی است، زیرا جنگ در عراق، ایران را قدرتمندتر کرده است. پاول: تعامل با ایران را هر چه زودتر عملی کنیم. ما از چه می‌ترسیم. جیمز بیکر: وقتی اسرائیل با سوریه وارد مذاکره شده است مسخره است که ما بگوئیم با ایران مذاکره نمی‌کنیم. وارون کریستوفر: ارتش آمریکا نواقصی دارد که ما نمی‌توانیم گفت و گو کنیم گزینه‌های نظامی بسیار ضعیف‌اند. (Information newspaper, 2008: 14).

اهل تسنن

برخی کارشناسان معتقدند سیاست خارجی ایران در قبال عراق به‌ویژه اهل سنت آن نه بر محوریت علایق ژئوپلیتیکی و ملی بلکه بر مبنای تفکرات ایدئولوژیکی شکل گرفته است. از گذشته نوعی رقابت بین ایران و ترکیه بر سر سیادت بر جهان اسلام وجود داشته است ترک‌ها خود را رهبر اهل تسنن و ایران نیز مدعی سیادت بر شیعیان می‌باشد. منافع راهبردی ایران در عراق، سازماندهی مناسبات با تمام گروه‌های سیاسی قومی عراق است. در جهت تعمیق منزلت ژئوپلیتیکی ایران نوعی میانه‌روی در رقابت ژئواستراتژیک جهان اسلام (امروز عربستان نیز همانند ترکیه داعیه‌دار رهبری اهل تسنن است) در بستر همکاری‌های مطمئن با هردو گروه شیعه و سنی تأمین‌کننده منافع ایران می‌باشد.

در آخر آوریل ۲۰۰۴ چهار نفر از پیمانکاران آمریکایی در فلوجه به قتل رسیدند جنازه‌ها را پوست کنده آتش زدند و به یکی از پل‌های شهر آویختند. سازمان توحید و جهاد (قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین) توانست از این درگیری‌ها به نفع خود بهره‌برداری کند و این طور وانمود کرد که این درگیری‌ها صرفاً هجوم به اهل سنت عرب عراق است. (Al-Zubaidi, 2011: 209) سنی‌ها شیعیان را متهم می‌کنند که غیرعرب‌هایی هستند که قصدشان از مشارکت در انقلاب ۱۹۲۰ تبدیل کردن حضور انگلیس‌ها به اشغالگری ایرانیان بوده است. (Al-Zubaidi, 2011: 238) مایکل اسکات دانشمند تاریخ دان و متخصص در امور خاورمیانه می‌نویسد: علمای وهابی سعودی می‌گویند که اعتقادات و عملکردهای شیعیان بدعت است، اما اینک تشیع و شعائر آن را با آمریکا ستیزی نیز گره زده‌اند (Al-Zubaidi, 2011: 258).

وقتی هزاران نفر از مردم سنی برخی شهرهای عراق از جمله در استان‌های الانبار، صلاح‌الدین و نینوا علیه سیاست‌های نوری مالکی و دخالت‌های ایران در کشورشان تظاهرات کردند تصور نمی‌شد دامنه این تظاهرات به استان‌های شمالی یعنی سلیمانیه، کرکوک و اربیل برسد و در رمادی برخی عکس رجب طیب اردوغان را حمل کنند. (Al-Jazeera Network, 10/16/91). بیش از سه هفته است ده‌ها هزار نفر در استان‌های سنی نشین کشور عراق علیه نخست وزیر شیعه مذهب تظاهرات کرده وی را متهم به جانبداری از اکثریت شیعه و به‌حاشیه راندن اقلیت سنی می‌کنند. دامنه این اعتراضات به سایر استان‌های سنی نشین هم کشیده شده است و استان‌های نینوا (موصل) و صلاح‌الدین (تکریت) هم شاهد اعتراضات مشابهی بودند. در موصل معترضین جاده مواصلاتی بغداد را بستند. نوری مالکی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی المیادین گفت: تلاش جاری برای برهم ریختن اوضاع منطقه به منظور جلوگیری از یک محور عربی اسلامی است. او افزود: عراق نیز در چارچوب این نقشه قرار دارد. در پی اعتراضات سال گذشته که پس از حکم دستگیری رافع العیساوی وزیر دارایی عراق و متهم به اقدامات تروریستی صادر شد و تحصن‌های صورت گرفته در بغداد و رمادی و در پی شدت عمل مالکی، وزرای سنی و کرد عراق نشست کابینه را به نشانه حمایت از اعتراضات ترک و تحریم کردند. نخست وزیر عراق با اشاره به فتنه مذهبی و فرقه‌ای که در منطقه به راه افتاده گفت:

تظاهرات ضد دولتی اخیر در مناطق سنی نشین عراق، عکس‌های صدام و اردوغان و پرچم حزب بعث به نمایش درآمده است در این تظاهرات شعارهایی علیه شیعه، فارس‌ها و مجوس‌ها سر داده شد که این منطق، منطق مردم سنی عراق نیست. این منطق کشورهای است که قصد دارند با برانگیختن مسایل فرقه‌ای با ایران، سوریه، بحرین و عراق رویارویی کنند. وی همچنین گفت: هم اکنون یک محور عربی و ترکی سنی و یک محور عربی شیعی ایرانی در حال تشکیل شدن در منطقه است. (نخست وزیر سابق عراق با در کنار هم قراردادن کشورهای ایران، سوریه، بحرین و عراق عملاً نظریه هلال شیعی را مورد تأکید قرار داد.) ترکیه، قطر و عربستان میدان دار تحولات جاری در عراق هستند و همگی تلاش می‌کنند ضمن سرنگونی دولت شیعی از او به دلیل حمایت از بشار اسد و نظام وی انتقام بگیرند (Ghorbani Nejad, 2019).

هراس از روی کار آمدن شیعه در عراق آمیخته با یک ادعای قدیمی است که دوباره مطرح شده است و می‌گوید تشیع در عراق اصل و منشاء ایرانی دارد و فرمول قوی تری برای این سخن است که شیعه عراق دنباله رو ایران است و شیعیان آنطور که حریفان‌شان مدعی‌اند. هنگامی که کشور جدید عراق در ۱۹۲۰ تشکیل شد همگی ایرانی بوده‌اند. این ادعا آمیخته با اتهاماتی درباره طایفه پرستی شیعه، گرایش به تاسیس دولت دینی و برپایی دولت ولایت فقیه و از این بالاتر شیعیان را صفویان جدید نامیده‌اند. (Al-Zubaidi, 2011: 260). طارق الهاشمی رهبر حزب اسلامی عراق و معاون رئیس جمهور این کشور سپاه بدر و در ورای آن ایران را متهم ساخت که جنگ ناپاکی را بر ضد اهل سنت به راه انداخته‌اند تا انتقام سرکوبگری‌های وحشیانه رژیم سابق را بگیرند. طارق الهاشمی می‌گوید: این قتل‌ها قسمتی از «طرح راهبردی ایران» برای راندن اهل سنت به خارج از عراق است. (همان: ۲۸۷). جنگ داخلی و تقسیم و تجزیه عراق را تهدید می‌نماید و ایران و دولت مالکی در این مسأله و هر گونه خونی که ریخته شود مسئول هستند. عراق در حال ورود به جنگ‌های داخلی است همانند آنچه که در سوریه در حال وقوع است. دولت ج.ا. به دنبال تقویت مالکی و یا بهتر بگوئیم تقویت شیعه در عراق است. (Saleh Motagh, Deputy Prime Minister 11/11/92)

شخص وزیر کشور (باقرجبر) مکرراً متهم شد که جوخه‌های مرگ را با همدستی هادی العامری (رهبر سپاه بدر) و ابوکریم (رئیس اطلاعات بدر) به راه انداخته است. بعداً چند زندان مخفی پیدا شد که تعدادی از افراد سنی مذهب (که ادعا می‌شد شورشی‌اند) در معرض شکنجه در آنجا بودند. (Al-Zubaidi, 2011: 278). پس از تغییر رژیم بعثی، اهل سنت خود را پیدا کردند و دیدند که عناصر قدرتی را که در زمان آن رژیم و نهادهایش داشته‌اند اکنون از دست داده‌اند. هنوز رژیم صدام فرو نپاشیده بود که اهل سنت احساس شکست کردند. (الزبیدی، ۱۳۹۰: ۳۲۲). قطر، عربستان سعودی و ترکیه در حال اجرای توطئه‌های خطرناکی در عراق هستند. تا قبل از ۹۱/۱۱/۱ در فلوچه به هر تظاهر کننده روزانه ده دلار می‌پرداختند از روز جمعه این مبلغ تا پنجاه دلار از طریق رئیس عشیره افزایش یافته این کشورها تلاش دارند تا شیعه در عراق شکست بخورد (Chalabi, Meeting with the Ambassador of Iran: 7/11/91)

خطر تحرکات ایران در عراق در آن نهفته است که ایران ظاهراً قدرتمندترین و راغب‌ترین همسایه عراق است که می‌خواهد در امور عراق دخالت کند، ایران در عرصه سیاسی به علت داشتن روابط تاریخی با شیعیان عراق و قرابت جغرافیایی با این کشور ایفا نقش کرده است. امکان مداخله ایران در عراق بسیار پیچیده است، گاهی به صورت مستقیم و گاهی غیرمستقیم این مداخله صورت می‌گیرد با پوشش مؤسسات اجتماعی و خیریه پول هم برای جذب طرفدار خرج می‌کند. با آنکه ایران مکرراً مداخله

در امور عراق را نفی کرده است برخی بر این باورند که درگیر شدن ایران در امور عراق اساساً برای آن است که وقتی چارت سیاسی آینده عراق رقم می‌خورد، ایران نیز تأثیرگذاری خود را انجام دهد و میزان نفوذ خود در مراکز سیاست‌گذاری عراق را بیشتر کند (Al-Zubaidi, 2011: 481).

جریان سلفی‌گری با عقبه ایدئولوژیکی خود در جغرافیای جهان اسلام و به ویژه عراق، در حلقه اول جغرافیای سیاسی ایران قرار گرفته به نوعی می‌توان گفت این جریان امروز از خاستگاه و مراکز قبلی خود فاصله گرفته و عراق را پایگاه اصلی فعالیت‌های خود قرار داده است. در نتیجه تجمع و هم‌افزایی توان سلفی‌گری در عراق، موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه شکل گرفت. مواضع و اقدامات دو وجهی انجام گرفت که تقریباً همه گسل‌ها و خطوط درگیری با جمهوری اسلامی ایران در حوزه گسترده جهان اسلام، به ویژه عراق را پوشش داد. از یک سو، در وجه نرم‌افزاری، حجم فتواها و فشار دیپلماتیک علیه شیعیان و سیاست خارجی ایران افزایش چشم‌گیری یافت و از سوی دیگر، ضمن اقدامات بی‌سابقه‌ای از قبیل قتل عام شیعیان در عراق، تهدیدات مربوط به امنیت و منافع ملی ایران عینیت یافت (Seyed Nejad, 2010: 97).

اعراب سنی عراق به‌ویژه ساکنین استان‌های دیالی، الانبار، صلاح‌الدین (تک‌ریت)، نینوا (موصل) و بخشی از تأمیم (کرکوک) متأثر از میزان سهمی که در حکومت صدام حسین داشتند و میزان تثبیت‌گری پایه‌های آن حکومت به جمهوری اسلامی ایران نگاه منفی دارند. اشبال صدام، فدائیان صدام، عناصر و فرماندهان گارد جمهوری، عناصر امن‌العام، امن‌الخاص، مخابرات و استخبارات همه از اهل تسنن و از منطقه جغرافیایی ذکر شده بودند. به این دلیل امروزه نیز با سابقه ذهنی و تاریخی گذشته و برگرفته از تلاش‌های امروز جریان سلفی‌گری و پول‌های عربستان و امارات و قطر با جمهوری اسلامی ایران در عراق عناد و دشمنی دارند.

اهداف اقتصادی ایران در عراق

در دوره حاکمیت گفتمان ژئواستراتژیک موقعیت جغرافیایی ایران عامل ارتباط، اتصال، تعامل و تقابل ایران با نظام بین‌الملل محسوب می‌گردید. با تحول گفتمان ژئواستراتژیک به گفتمان ژئواکونومیک در دهه‌های اخیر و ایفا نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی نفت به عنوان خون صنعت مدرن در مقایسه با سایر عوامل قدرت از جایگاه بالاتری برخوردار شده است (Etaat Et al., 2013: 24). عراق ذخایر نفتی هنگفتی دارد که بین کشورهای دارای بالاترین ذخیره تثبیت شده نفت، پس از عربستان در رتبه دوم جای می‌گیرد. بر اساس برآوردهایی که اخیراً انجام شده است، ذخیره نفت خام عراق به ۱۱۲ میلیارد بشکه می‌رسد که معادل ۱۱ درصد کل ذخیره نفتی جهان است. این ذخایر نفتی در ۱۲ استان عراق پراکنده شده است، به‌گونه‌ای که بیش از ۶۰ درصد آن در بصره، حدود ۱۰ درصد آن در کرکوک و بقیه هم در استان‌های عماره، بغداد، ناصریه، واسط، کربلا، نجف (همگی شیعیان)، موصل، صلاح‌الدین، دیالی (اهل تسنن) و اربیل قرار دارد. کارشناسان میزان ذخیره شده نفت عراق را که قابل استخراج از میدان‌های کشف شده و بالغ بر ۷۳ میدان است، بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار برآورد می‌کنند (Hassan Latif, 2011: 57).

صادرات کشورمان در ۱۲ ماهه سال ۱۳۹۲ شمسی به میزان ۵/۹ میلیارد دلار بوده است. مسئول امور تجاری عراق در سازمان توسعه تجارت از صادرات ۳/۱ میلیارد دلاری کالا و خدمات فنی و مهندسی ایران به عراق در شش ماهه اول سال ۹۳ خبر داد.

وزیر اقتصاد و تجارت عراق در نشست مشترک خود با وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران در رابطه با مسائلی همچون توسعه روابط تجاری، بانکی، مسائل استاندارد دو کشور، استفاده از ظرفیت شرکت‌های صادر کننده خدمات فنی و مهندسی، انجام سرمایه گذاری مشترک، تبادل تکنولوژی و انتقال تجربیات صنعتی، فنی و کشاورزی ایران به عراق بحث و تبادل نظر کرد. این مسئول در سازمان توسعه تجارت ایران یادآور شد: در شش ماه نخست سال جاری ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار کالا و ۴۰۰ میلیون دلار خدمات فنی و مهندسی به عراق صادر شده است که این ارقام در سال ۱۳۹۱ میزان ۶ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار کالا و خدمات فنی و مهندسی و در سال ۹۲ نیز ۶ میلیارد دلار کالا و خدمات فنی و مهندسی بوده است.

در سال ۱۳۹۱ با رکورد واردات از ایران، کشور عراق رقمی معادل ۶/۲ میلیارد دلار کالا و خدمات از ایران وارد کرده است. با سفر هیأت عالی رتبه ایران به عراق و تشکیل اولین اجلاس اقتصادی مشترک بین دو کشور توافق شد تا سطح روابط دو کشور در زمینه تجارت کالا، خدمات و توریست از ۱۰ میلیارد دلار به ۲۰ میلیارد دلار افزایش یابد و این هدف که مورد توافق مسئولان دو کشور قرار گرفته است با چالش‌ها و ابهاماتی همراه است و از همه مهم‌تر اینکه کسب سهم بیشتر از این بازار لازمه‌اش رقابت با کشورهای دیگری از جمله ترکیه، سوریه، چین و کره است که به نسبت ایران سهم بیشتری دارند و سهم ما فقط ۸ درصد است (حدود ۴/۵ میلیارد دلار از ۵۵ میلیارد دلار واردات عراق). این روزها اگرچه ایران براساس تمام معیارهای تجاری بهترین کشور صادر کننده به مقصد عراق به‌شمار آمده و شناخت خوبی از ذائقه و فرهنگ شهروندان عراقی دارد، می‌بینیم که ترکیه مانند بسیاری دیگر از موارد وارد عمل شده و حضور تأثیرگذار و تجاری در این منطقه داشته است. چنانچه می‌بینیم که ترکیه در مقابل یک رایزن بازرگانی ایران در عراق بیش از ۱۰ رایزن بازرگانی در شهرهای عراق مستقر کرده است و در مقابل یک مرکز تجاری نیمه تعطیل ایران در کردستان عراق بیش از ۱۲ مرکز تجاری دارد.

بخش خصوصی که وارد شد همه، امیدهای تازه‌ای پیدا کردند اما عرصه تجارت خارجی، رقابتی است و خبری از رانت و انحصارهای بازار داخلی نیست؛ اما هرچه هست نشان می‌دهد که دیگر ایرانی‌ها در بازار بکر، رو به رشد و قابل توجه همسایه‌هایی مثل عراق و افغانستان این روزها زیاد خوش اقبال نیستند. مزایای بی‌شماری داشتیم یا داریم، قربت فرهنگی، همزبانی، سابقه حضور رجل سیاسی در ایران، پیشینه تاریخی، الگوی مصرف مشابه، سمپاتی مردم، مرز مشترک گسترده و ... اما عقب‌تر از همه هستیم و این داستان تلخ تکراری دارد در کردستان عراق یا به روایت خودشان در «اقلیم کردستان عراق» اتفاق می‌افتاد. متولیان صادرات کشور اذعان می‌دارند بازار عراق می‌تواند افزایش ظرفیت‌های اقتصادی، چرخه تولید و صدور کالاهای ایرانی را رونق بخشد.

حضور در بازار عراق می‌تواند اثر بسیار چشمگیری در افزایش صادرات خدمات فنی و مهندسی کشور داشته باشد. به رغم اینکه بازار عراق شرایط مناسبی برای حضور شرکت‌های ایرانی دارد، اما علاوه بر مشکلات عمومی کشور عراق نظیر بی‌ثباتی امنیتی و مدیریتی، جا نیفتادن سیستم‌های مدیریتی و قراردادی، فساد اداری، نبود بخش خصوصی فعال و ضعف سیستم‌های بانکی، مشکلات دیگری نیز وجود دارد که مستلزم حمایت بیشتر به ویژه از طرف بانک‌ها و موسسات مالی کشورمان است. برخی کشورها به دلیل مسائل امنیتی هنوز تمایلی به فعالیت اقتصادی در عراق ندارند و به محض آرامش قطعاً رقابت سخت‌تر خواهد شد.

متأسفانه ایران در بازار کردستان عراق با تأخیر حضور پیدا کرد و همین دیرکرد موجب شد که تقریباً بازار کردستان عراق را از دست بدهیم. این درحالی است که در این مدت کشورهایمانند ترکیه، کویت و اردن بخشی از بازار عراق را در دست خود بگیرند. پیمانکاران ترک نسبت به ایرانی‌ها در زمینه صادرات قوی تر هستند. شرکت‌های ایرانی قوانین صادرات را یاد نگرفته‌اند، حتی کشوری مانند پاکستان بهتر از ایرانی‌ها توانست در عراق فعالیت اقتصادی داشته باشد و در این زمینه از آنها نیز عقب‌تر هستیم. برخی ارائه‌کنندگان، کالاها یا خدمات بدون کیفیت را به بازار عراق عرضه می‌کنند که همین مسأله باعث بی‌اعتمادی مصرف‌کننده در آن کشور می‌شود.

باید در زمینه سرمایه‌گذاری، تولید و تجارت با تجار عراقی شرایط بلند مدت را در نظر بگیریم. اتاق مشترک ایران و عراق و دیگر فعالان این حوزه ایجاد شود تا بتوانیم در بازار عراق حضور پایدار داشته باشیم. شرکت‌های کوچک و ضعیف به این کشور رفتند و توانستند فعالیت‌هایی انجام دهند، اما همکاری این شرکت‌ها با عراقی‌ها راضی‌کننده نبود و آنها ترجیح دادند که با ایرانی‌ها همکاری نکنند. از این رو به دلیل ضعف عملکرد شرکت‌های کوچک، اعتمادسازی برای دوباره شروع کردن شرکت‌های قوی سخت شده است. بازارهای آسیای میانه و افغانستان را از دست دادیم. چرا بازار عراق را که بازار خوبی برای کالاهای ایرانی است با صادرات کالاهای بدون کیفیت از دست می‌دهیم. از دست دادن بازار آسیای میانه تکرار خواهد شد. بازار عراق پتانسیل خوبی برای حضور فعالان اقتصادی ایرانی دارد. ایرانی‌ها می‌توانند در طرح‌های نیروگاهی، نفتی، راهسازی، ساخت خط انتقال نیرو، ساخت مسکن، احداث نیروگاه آبی و خط انتقال آب و تصفیه‌خانه فعالیت داشته باشند. آخرین امید باقی‌مانده را قدر بدانیم و آن را مدیریت صحیح کنیم.

نفوذ اقتصادی ترکیه در عراق

ترکیه با برنامه ریزی مناسب حضور چشمگیری در ابزار اقتصادی عراق و بازسازی این کشور پیدا کرده، به نحوی که تا تاریخ ۹۰/۱۲/۹ در بخش‌های گوناگونی شامل حوزه‌های عمرانی، صادرات خدمات فنی - مهندسی، احداث راه، فرودگاه، نیروگاه، بیمارستان، طرح‌های زیربنایی، تاسیسات نظامی، جاده، پل، سد و ... در عراق مشارکت بالایی دارد، که برخی موارد آن به شرح زیر است:

- در حال حاضر بیش از چهارهزار شرکت اقتصادی ترک در عراق مشغول فعالیت هستند.
- این کشور به عنوان رقیب اصلی ایران در عراق و منطقه اقلیم کردستان مطرح بوده است ولی اخیراً هاشم السودانی (رئیس شعبه روابط تجارت بین الملل وزارت بازرگانی عراق) از کاهش حجم مبادلات بازرگانی ایران و عراق در سال ۲۰۱۱ خبر داده و گفته: "این میزان به چهار میلیارد دلار رسیده است (ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی بزرگترین شریک تجاری عراق بود).
- السودانی در گزارش خود ذکر کرده است که ترکیه در یک سال گذشته با پشت سر گذاشتن ایران به بزرگترین شریک تجاری عراق تبدیل شده است. حجم مبادلات تجاری ترکیه با عراق در سال ۲۰۱۰ میلادی به ۱۲ میلیارد دلار رسیده است.
- ترکیه نزدیک به ۲۵ درصد از کل واردات بازار عراق را به خود اختصاص داده و در این حوزه در رتبه نخست قرار گرفته است.

ترک‌ها به صورت هدفمند و با بکارگیری ابزارهای دقیق مدیریتی و روانشناسی، وارد بازار عراق شده و با برگزاری نمایشگاه‌های گوناگون اقتصادی و تجاری، حضور پررنگی در کشور عراق دارند. برخی برآوردها حاکی است، ترکیه حدود دوازده مرکز تجاری در عراق ایجاد کرده و از تمام صادرکنندگان خود پشتیبانی سیاسی، حقوقی و اقتصادی به عمل می‌آورد. گذشته از این ترکیه ۲۴ مرز فعال با عراق دارد و در هفته حدود ۱۰۰ پرواز از این کشور به عراق انجام می‌شود. در خصوص تداوم حضور ترکیه در بازار عراق و تداوم نقش نخست این کشور در عرصه اقتصادی عراق، باید به دو متغیر زیر توجه داشت: روابط سیاسی آنکارا با بغداد و اربیل در روابط تجاری دو کشور نقش مهمی دارد که این روابط در سال ۲۰۱۱ با نوسان‌ها و چالش‌هایی روبرو بوده است. در این خصوص اگر روابط سیاسی بغداد و اربیل با ترکیه به سوی بهبود بیشتر یا عادی شدن حرکت کند و مناسبات سیاسی رو به افزایش باشد، روابط تجاری و اقتصادی دو کشور نیز افزایش خواهد یافت، در غیر این صورت به نظر نمی‌رسد که در سال ۲۰۱۲ حضور و نفوذ تجاری و اقتصادی ترکیه در عراق با همین سرعت ادامه یابد و حتی در صورت تیرگی بیشتر روابط سیاسی ترکیه و بغداد، احتمال تحریم کالاهای ترک در عراق و کاهش روابط تجاری دو کشور متصور خواهد بود. هر چند آنکارا به بازسازی عراق به عنوان یک فرصت نگاه می‌کند و تلاش دارد با حضور فعال در روند بازسازی اقتصادی عراق زمینه ژئوپلیتیک خود را مهیا کند، اما در واقع نوع سیاست‌گذاری اقتصادی عراق و نیز نوع عملکرد رقبای عمده در بازار عراق بویژه ایران، نقش مهمی در افزایش یا کاهش روابط تجاری عراق با ترکیه خواهد داشت. در پی تحولات امنیتی اخیر صحنه عراق و حضور داعش در موصل (نینوا)، الانبار (فلوجه-رمادی) و دیالی و ناامنی مسیرهای ارتباطی منتهی به مرکز و جنوب عراق، همچنین در پی موضعگیری‌های سیاسی ترکیه در تحولات اخیر عراق و سوریه حجم واردات عراق از ترکیه به شدت کاهش یافت البته ترکیه با خریداری بخشی از نفت عراق و سوریه که توسط داعش به زیر ۵۰ دلار عرضه می‌شود قسمتی از ضررهای ناشی از این ناامنی‌ها و عدم حضور اقتصادی در عراق را تأمین کرده است. تحولات امنیتی اخیر در صحنه عراق و به نوعی محاصره زمینی این کشور توسط نیروهای معارض فرصت مناسبی را برای توسعه وضعیت ایران در عرصه اقتصادی عراق فراهم کرده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

از نظر جغرافیایی و بویژه جغرافیای سیاسی در میان عوامل جغرافیایی که در ضعف یا قدرت یک کشور مؤثرند عناصر زیر بسیار تعیین کننده است: الف- آب و هوا، اقلیم و منابع طبیعی ب- نوع زمین ج- وسعت خاک، د- موقعیت سرزمینی موقعیت جغرافیایی کشور ایران همواره تاریخ گذشته آن را تحت الشعاع قرار داده است و این موقعیت در آینده هم سرنوشت ساز خواهد بود. ایران با دارا بودن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت از تنوع آب و هوایی چشمگیر و منابع طبیعی سرشار و اراضی گوناگون با موقعیت سرزمینی ویژه برخوردار است. در طراحی مسائل استراتژیک و تاکتیکی توجه به بادهای موسمی، باران، برف، درجه حرارت در مناطق و فصول گوناگون کشور و نیز در کشورها و مناطق همجوار از عوامل با اهمیت و قابل توجه شناخته می‌شود. موقعیت‌های سرزمینی، ارتفاعات و جلگه‌ها و پستی‌ها و... همگی در کاربرد سلاح‌های گوناگون، دستگاه‌های ردیابی، رادار، گیرنده و فرستنده موثر است.

به عقیده برخی از پژوهشگران و تحلیلگران سیاسی سرنوشت تاسیسات و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر در گرو یک سلسله عوامل طبیعی و ثابت و متغیر است که همه آنها از جبر جغرافیایی ریشه می‌گیرند. این عوامل جغرافیایی عبارتند از:

۱ عوامل ثابت مانند فضا، سرزمین، قلمرو، وسعت خاک و عوارض طبیعی

۲ عوامل متغیر مانند جمعیت، منابع طبیعی، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی

هر نوع تصمیم‌گیری سیاسی و نظامی باید در چارچوب عوامل ثابت و متغیر یاد شده صورت گیرد، هرچند با پیشرفت صنعت و صنایع نظامی و اختراع جنگ افزارهای اتمی محدودیت‌های عوامل ثابت مسافت، منابع طبیعی، اقیانوس‌ها، کوه‌ها، دریاها، نمی‌تواند مانع جدی برای کاربرد این قبیل تسلیحات باشد اما با توجه به اینکه هنوز کشورهای زیادی فاقد این قبیل تسلیحات هستند و این سلاح‌ها عمدتاً نقش بازدارندگی دارند، لذا عوامل یادشده از قوت و نفوذ خود کماکان برخوردار هستند. جایگاه جغرافیایی ایران، قراردادن در کنار ساحل خلیج فارس و دریای عمان از یک سو و در مجاورت اتحاد جماهیر شوروی سابق از سوی دیگر و دارا بودن منابع غنی نفتی و منابع کانی گوناگون و تنوع آب و هوایی، موقعیت ممتازی را از نظر ژئوپلیتیک برای این کشور فراهم آورده و قدرت خاصی به این کشور بخشیده که از دید قدرت‌های جهانی نیز مخفی نمانده است.

از این رو پیروزی انقلاب اسلامی که موجب تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه و نظام امنیتی دو قطبی حاکم بر جهان شده بود، علاوه بر اینکه ایران را از صف حامیان ایالات متحده و بلوک غرب خارج کرد، رهبران عراق را نیز به حمله نظامی به ایران ترغیب نمود. صدام که چشم به رهبری جهان عرب و پر نمودن خلاء قدرت در منطقه دوخته بود، از فرصت به دست آمده نهایت استفاده را برد و درصدد جبران امتیازات از دست داده در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر برآمد. رژیم بعثی به سرکردگی صدام حسین، پس از بمب‌گذاری در تأسیسات نفتی ایران و شرکت در یک رشته اقدامات تخریبی علیه جمهوری اسلامی ایران، به بهانه بازپس‌گیری جزایر سه گانه حملات تبلیغاتی خود را متوجه ایران کرد. سرانجام وزارت امور خارجه عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۶ طی یادداشتی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر شط العرب، آن را در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حملات هوایی و زمینی ارتش بعث به خاک ایران، جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرد. اگر چه به ظاهر موضوع اختلافات مرزی به عنوان دلیل اصلی تجاوز عراق به خاک ایران محسوب می‌گردد، اما در واقع تجاوز عراق نتیجه نارضایتی آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی از انقلاب اسلامی ایران و نگرانی از گسترش آن به منطقه و حمایت از منافع دولت‌های محافظه کار عربی نیز بود.

اولین و نگران‌کننده‌ترین منطقه واگرا از نظر حاکمیت گذشته، کردستان بود. جالب آنکه اولین جمعیت کردی در ایران که طلب خودمختاری می‌کردند (یعنی جمعیت رستاخیز کرد، سال ۱۳۱۹) از جانب کردهای عراقی (حزب هیوا) تقویت می‌شدند. جمعیت رستاخیز کرد، حزب دمکرات کردستان و جمهوری خودمختار کردستان به مرکزیت مه‌آباد ثمره تسلط قوای اتحاد جماهیر شوروی در شمال ایران بود. بنابراین کشیده شدن دامنه شورش کردهای عثمانی به ایران با تسلط کمونیستها به شمال غربی کشور و اوضاع و احوال بین‌المللی زمینه‌ساز واگرایی منطقه‌ای را در کردستان ایران فراهم کرد. بدین ترتیب کردستان اولین و نگران‌کننده‌ترین منطقه واگرا در دوران پهلوی شد. سقوط دولت شاه که گمانه ضعف نظام نوپای جمهوری اسلامی را در برون

از مرزهای ایران تقویت بخشیده بود، به اولین منطقه واگرایی کشور یعنی کردستان سرایت کرد و برای سالها کردستان، ایران را دچار بحران نمود. در آن سالها کردستان دوباره عرصه نزاع میان مخالفین دولت ایران با طرفداران آن شد. موفقیت دولت مرکزی در عملیات مرصاد، دوباره حس واگرایی را در کردستان تضعیف و به دنبال آن مشارکت دادن کردها در تصمیم‌گیری‌های ملی در طول سه دهه انقلاب، همگرایی آنان را با دولت مرکزی قوت بخشید. کردستان در حدود ۳۰۰ کیلومتر با عراق مرز مشترک دارد، مرز ایران در این قسمت از کوهستانی بسیار سخت و نامرتب که همان دنباله ارتفاعات زاگرس است، می‌گذرد که دارای دره‌های خیلی سخت و معابر کوهستانی مهمی است. ارتفاعات عموماً پوشیده از جنگل بوده ولی قطر و ارتفاع درختان در این منطقه ضمن فراهم کردن پوشش و اختفا، مانع عمده‌ای برای حرکات تطبیق شده نیستند ولی ترکیب ارتفاعات طوری است که معابر وصولی عمده‌ای برای عملیات تطبیق شده، به داخل عراق فراهم نمی‌کند. موقعیت مرزی کرمانشاه با عراق طوری است که از یک سو (شرق) متکی به ارتفاعات متوالی و منظم است و از سوی دیگر (غرب) به جلگه کم‌عارضه و بلا مانع بین النهرین اتکا دارد. به همین علت بین این دو عارضه متفاوت جغرافیایی یک منطقه واسطه به چشم می‌خورد که مجموعه‌ای است از تپه ماهورها و ارتفاعات منفرد و نامنظم به نحوی که در ناحیه بین قصر شیرین تا سومار این ارتفاعات واسطه تا داخل خاک عراق هم ممتد هستند. دیگر از ویژگی‌های عملیاتی این بخش واسطه این است که به راحتی می‌توان از آن به داخل عراق نفوذ کرد. به طور کلی مشکل مرز به نحوی است که یک مبدأ عملیات تعرضی خوبی به طرف غرب محسوب می‌شود.

تولید ناخالص داخلی عراق در سال ۲۰۰۳ معادل ۷۹/۳۸ میلیارد دلار برآورد شده است که با احتساب جمعیت ۲۵ میلیونی این کشور، درآمد سرانه در عراق کمتر از ۱۶۰۰ دلار محاسبه می‌گردد. عراق در شمال خلیج فارس واقع شده که از این نظر دارای موقعیت ممتازی است. به همین دلیل بسیاری از صاحب نظران، عراق را دومین کشور در منطقه آسیای جنوب غربی می‌دانند که دارای امکانات مناسب جغرافیایی است و در بین کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مقام ویژه‌ای را داراست. به همین دلیل است که عراق همواره از نظر تاریخی با درک ژئوپلیتیک خود، به دنبال کسب رهبری در بین کشورهای منطقه بوده است. در هر صورت ژئوپلیتیک یکی از عوامل مؤثر بر ایفای نقش منطقه‌ای توسط عراق بوده و همواره بر ذهن دولتمردان و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته است. بدون تردید یکی از دلایل تغییر و تحولات سریع در روابط خارجی و تلاش برای ایفای نقش یک بازیگر تعیین کننده و قدرت منطقه‌ای طی دهه‌های اخیر، بسترهای ژئوپلیتیکی در این کشور بوده است. کشور عراق از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی بارزی برخوردار است که ترکیب و حاصل تأثیرگذاری آنها بر عملکرد دولتمردان و سیاست خارجی این کشور، اوضاع و شرایط منحصر به فردی را به وجود آورده است؛ این شرایط طی سه دهه اخیر موجب تحولاتی در سطح منطقه و کشور عراق گردیده که نهایتاً تغییرات ژئوپلیتیکی قابل توجهی را در این کشور رقم زده است. پس از تهاجم نظامی آمریکا در مارس سال ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۲) به عراق و اشغال آن، این کشور شاهد تغییر و تحولات گسترده و عمیقی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی گردیده است. پس از اشغال عراق عوامل ژئوپلیتیکی در این کشور به گونه جدیدی مبادرت به ایفای نقش نموده اند، به نحوی که توانسته اند منطقه خاورمیانه و همسایگان عراق را از نقش جدید خود متأثر سازند. بدون تردید هنگامی که تأثیر ژئوپلیتیکی ظهور عراق جدید در سطح منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چنانچه بخواهیم از نظر تاریخی به تحولات دو کشور و تأثیرات آن بر هر یک

از طرفین پردازیم، می‌بایست به دهه دوم قرن بیستم بازگردیم؛ هنگامی که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و پس از یک دهه قیمومیت انگلیس بر عراق، این کشور استقلال خود را بدست آورد، دولت این کشور اختلاف مرزی بین ایران و عثمانی را به ارث برد و بهانه لازم برای تنش و درگیری را در دست گرفت. اختلافات و تنش‌های دولت عراق با ایران همواره وجود داشته و در مواقعی به درگیری نظامی نیز انجامیده است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و روی کار آمدن صدام حسین در عراق در سال ۱۹۷۹ فصل جدیدی در تیرگی روابط و تنش‌ها آغاز گردید. با گذشت کمتر از دو سال از پیروزی انقلاب نوپای اسلامی در ایران صدام حسین یک جنگ همه جانبه و خونین را به مدت ۸ سال به جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمود. پس از جنگ نیز، رژیم صدام حسین تا زمان فروپاشی بزرگترین تهدید خارجی ایران محسوب می‌گردید.

از نظر جغرافیایی، دو کشور ایران و عراق دارای ۱۶۰۹ کیلو متر مرز مشترک هستند که از نظر جغرافیای سیاسی یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است. به همین دلیل همواره دو کشور بر سر مسائل مرزی با یکدیگر مشکل داشته‌اند. به لحاظ ایدئولوژیک حدود ۶۰ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که با ایران پیوند عمیق ایدئولوژیک دارند. ایران و عراق هردو دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و از اعضای اوپک هستند و هرگونه همکاری و همگرایی در خصوص نفت بین دو کشور می‌تواند تأثیرات زیادی بر صنعت بین‌المللی نفت بر جای گذارد. از سوی دیگر روابط دو کشور ایران و عراق هیچ‌گاه با ثبات و پایدار نبوده است. با توجه به وجود غیرطبیعی عراق که بر اثر مناسبات منطبق بر منافع قدرت‌های بین‌المللی بویژه انگلستان و بدون توجه به واقعیات فرهنگی، جغرافیایی و انسانی ایجاد گردیده است، شرایطی بوجود آمده که تحت تأثیر قدرت‌های خارجی روابط بسیار پر افت و خیزی با ایران شکل گرفته است. تنگنای ژئوپلیتیکی عراق، عامل انسانی و موقعیت جغرافیایی در حایل شدن بین ایران و جهان عرب همواره بسترهایی بوده‌اند که قدرت‌های بزرگ از آن در ایجاد تنش در روابط دو کشور بهره‌برداری نموده‌اند.

در مجموع، در هم‌تندگی مسائل عراق با ایران بیش از هر کشور دیگری بوده است. به همین دلیل هرگونه تحولات در این کشور بیشترین تأثیرات را بر ایران خواهد داشت. عراق در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ با تولید ۵۲ درصد کل تولید نفت کشورهای نفت خیز بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در جهان بوده است. علاوه بر این عراق دومین کشور دارنده ذخایر نفت در جهان است که این خود به عنوان یک عامل مهم ژئواکونومیک از گذشته تأثیر گذار بوده است. همچنین دو کشور ایران و عراق از اعضای فعال کشورهای صادرکننده نفت اوپک می‌باشند. بنابراین بجز تأثیر بر تحولات بازار نفت، تحولات هر یک از دو کشور ایران و عراق علاوه بر مسیرهای دیگر از طریق نفت نیز بر کشور مقابل تأثیر دارد.

References

- Golverdi, Issa (2010), "Borders, Injuries and Functions". Quarterly Journal of Defense and Security Policy Policy, First Year, No. 2.
- Adami, Ali (2010), Strategy of Looking to the East in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Tehran: Political Studies.
- Ahmadpour, Zahra and Lashgari Tafreshi, Ehsan (2010), "Iran's Geopolitical Challenges in Exploiting Its Interests in the Caspian". Central Eurasian Studies, Third Year, No. 6, pp. 18-1.
- Ahmadpour, Zahra and Lashgari Tafreshi, Ehsan (2010), Geopolitics of the Caspian Sea. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces.
- Akhbari, Mohammad (2017), Geopolitical Opportunities in Foreign Policy Relations between the Islamic Republic of Iran and the Middle East (Case Study of Iraq from 2010-2017), Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography, 10 (1), 45-60.

- Akhbari, Mohammad and Nami, Mohammad Hassan (2009), *Geography of Borders with Emphasis on Iran's Borders*. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces.
- Alizadeh, Imran and Bardbar Tahergorabi, Mehrdad (2007), "A Study of Russia's Policies in the Persian Gulf (During and After the Cold War)". Report, year 17, number 189.
- Arshadi, Ali Yar and Taybi, Sobhan (2007), "A Study of the Legal Regime of the Sea or the Caspian Sea with Emphasis on the Legal Positions of Coastal States". *Voter Justice*, Nos. 6 and 7.
- Azami, Hadi (2006), *Geopolitical Weight and Regional Power System (Case Study: Southwest Asia)*. *Geopolitical Quarterly*, Year 2, Issues 3 and 4.
- Babajani, Mostafa (2011). "Iran and Russia during the Tsarist Period". *Iras*, No. 32.
- Dehghani Firoozabadi, Jalal (2010), *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Deverty, James and Faltzgraf, Robert (1993), *Contradictory Theories in International Relations*. Translated by Vahid Bozorgi and Alireza Tayeb. Tehran: Qoms Publications.
- Ezzati, Ezatullah (2001), *Geopolitics*. Tehran: Samat Publications.
- Ezzati, Ezatullah and Ahmadi Silooh, Jamaleh (2010), "Spatial Analysis of the Ethnic Crisis in the Middle East; A Case Study of Iranian Kurds". *Journal of Human Geography*, Second Year, Second Issue.
- Fallah, Rahmatullah (2010), "Israel's Strategies in Eurasia with an Emphasis on Central Asia and the Caucasus." Tehran: Andishe Sazan Noor.
- Ghasemi, Reza, Faraji Rad, Abdolreza, Ezzati, Ezatollah (2017), the context of tension in the political geography of the seas due to rising sea levels with emphasis on the geopolitics of Iraq in the Persian Gulf. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 9 (2), 91-106.
- Ghasemi, Reza, Faraji Rad, Abdolreza, Ezzati, Ezatollah (2017), The regional effects of Iraq's geopolitical structure with emphasis on Iran. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 9 (4), 173-194.
- Ghorbani Nejad, Rybaz (2015), A Study and Analysis of the Structural Characteristics of the State of Iraqi Kurdistan. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 11 (4), 282-261.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2002), *Political Geography of Iran*. Tehran: Samat Publications.
- Hafeznia, Mohammad Reza (2006), *Geopolitical Principles and Concepts*. Mashhad: Papli Publications.
- Hafeznia, Mohammad Reza and Qalibaf, Mohammad Baqara (2001), "Strategy for Spatial Distribution of Political Power in Iran through the Development of Local Institutions". *Journal of Geographical Research*, Volume 16, Number 2 (Series 61).
- Haghpanah, Jafar (2011), "Identity, Ethnicity and Foreign Policy in the Middle East". *Quarterly Journal of Politics*, Volume 41, Number 1.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad (2009), "Shiite Crescent; Opportunities and Threats for the Islamic Republic of Iran, Arabs and the United States", *Quarterly Journal of Political Science*, Year 5, Issue 1.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad (2009), "Shiite Crescent; Opportunities and Threats for the Islamic Republic of Iran, the Arabs and the United States." *Quarterly Journal of Political Science*, Fifth Year, First Issue.
- Hersij, Hussein and others. (2009). "Iran's soft power geopolitics". *Journal of Political Science*, Fourth Year, No. 2.
- Hojjat Shamami, Reza (2009), "Nabako; from word to deed". *Iras*, No. 25. p. 24-22.
- Hosseini, Ahmad (2016), "Strategic Cooperation between Iran and Russia: Requirements and Necessities". Available on the Iranian Diplomacy website.
- Jamshidi, Habibollah, Mahkouieh, Hojjat, Goodarzi, Mahnaz, Mo'meni, Mehdi (2018), A study of the consequences of Iran's membership in the regional security system in Central Asia with emphasis on the Shanghai Cooperation Organization. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 11 (1), 196-215.
- Karami, Jahangir (2009), "Iran and Russia: Eastern Alliance or Southern Threat?" *International Journal of Foreign Relations*. Year 2, No. 3, pp. 199-171.
- Karami, Jahangir (2009), "Russia's National Identity and Politics Abroad". *Journal of Central Asian and Caucasian Studies*, Vol. 12, No. 44, pp. 62-35.
- Karami, Mojtaba (2011), "Crisis of population decline and family situation in Russia today". *Iras*, No. 35, pp. 48-42.
- Karimipour, Yadollah (2000), *An Introduction to Iran and Neighbors (Sources of Tensions and Threats)*. Tehran: Tarbiat Moallem Publications.
- Karimipour, Yadollah and Mohammadi, Hamidreza (2009), *Geopolitics of Regionalism and National Divisions*. Tehran: Select Publishing.
- Khalili, Mohsen (2011), "The Concept of Realm in the Constitution of the Islamic Republic of Iran: Geographical Border / Ideological Infinity". *Strategy Quarterly*, Volume 20, Number 58.

- Khosrow, Seyed Mohammad Sadegh, Ezzati, Ezatollah, Sarvar, Rahim (2018), The Impact of Iran-Russia Military Cooperation on the Geopolitical Developments in Iran. *Scientific and Research Quarterly New Attitudes in Human Geography*, 10 (3), 75-89.
- Kolaei, Elaheh (1997). *Politics and government in the Russian Federation*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Institute.
- Mohammadipour, Saeed, Akhbari, Mohammad, Hamzeh, Farhad (2019), presenting the regional convergence pattern between Iran, Iraq and Turkey with emphasis on the geopolitical structure of the region. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 11 (4), 434-424.
- Mojtahedzadeh, Pirooz and Rashidinejad, Ahmad (2010), "Geopolitical Analysis of Russia's Foreign Policy in Relation to Iran's Nuclear Program". *Journal of Geopolitics*, Year 7, Issue 2, pp. 36-1.
- Mojtahedzadeh, Piroozeh (2010), *Iran's Border Policies and International Borders*. Translation: Hamid Reza Malek Mohammadi. Tehran: Samat Publications.
- Mokhtari Hashi, Hosseinieh (2008), "Study of Hydropolitical Status of Iran". *Journal of Law and Political Science*, Mazandaran University, Volume 3, Number 10.
- Mottaqi, Afshin (2016), *Comparative Analysis of Sense of Security in Border Territories (Case Study; Iranian Kurdistan and Iraqi Kurdistan)*, *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 8 (4), 29-42.
- Nadrian, Mahmoud, Romina, Ebrahim, Pishgahi Fard, Zahra (2017), Explaining the Impact of Vital Space on Regional Security (Case Study of Iraq), *Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography*, 9 (4), 237-254.
- Nami, Mohammad Hassan and Ahmadi Dehkai, Fariborz (2012), "A Study of the Governance Challenges of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the Strait of Hormuz". *Proceedings of the 5th Congress of the Iranian Geopolitical Association*, Volume 2, Rasht (Islamic Azad University), Iran.
- Noah, Abdolreza et al. (2010), "Pathology of ethnic issues in Iran, a case study: Arabs living in Ahvaz". *Quarterly Journal of Cultural Research*, Volume 3, Number 3, p. 47 - 69.
- Nouri, Alireza (2007), "Energy Superpower Strategy in Russian Foreign Policy". *Iras*, No. 19, pp. 31-27.
- Pourhossein, Fatemeh, Akhbari, Mohammad (2009), Explaining the Geopolitical Impacts of ISIL's Thought and Political Action to Establish a Country and Ideological Government in the Middle East. *Scientific and Research Quarterly of New Attitudes in Human Geography*, 11 (2), 31-52.
- Qalibaf, Mohammad Baqer and Pourmousavi, Seyed Mousa (2008), "Geopolitics and Foreign Policy". *Geographical Research*, No. 66.
- Qasabzadeh, Majid (2012), *Iran's Geoeconomic Position in the Greater Middle East Region*. Volume II, Rasht (Islamic Azad University). Iran.
- Sadr Mousavi, Mirstar (2007), "Assessing the Status of Tourism Facilities in East Azerbaijan Province from the Perspective of Tourists". *Geographical Research*, Volume 39, Number 61.
- Safari, Mehdi (2005), *Political Structure and Developments in the Russian Federation and Relations with the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Saghaian, Ali (2014), "Iran and Russia"; from normal relations to strategic interaction. Available on Fars News website.
- Sajjadpour, Kazemeh (1993), *Geopolitics and Iran's Foreign Policy: Continuity and Change*. Proceedings of the First Scientific Congress of the Iranian Geopolitical Association. Azad University, Tehran, Iran.
- Torabi, Yousef (2009), "Policies of the Islamic Republic in Social Diversity Management". *Quarterly Journal of Political Science*, Fifth Year, First Issue.
- Zayn al-Abedin, Yousef (2010), *Geopolitics (Idea-Application)*. Rasht: Islamic Azad University Press, Rasht Branch.

Internet resources

- <https://www.worldometers.info>
<https://en.wikipedia.org>
<https://www.mapanddata.com>
<https://www.britannica.com>
<https://www.ezilon.com>

Geopolitical foundations of Iran's relations with modern Iraq

Abbas Jafari Niya*

Ph.D. in Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

With the victory of the Islamic Revolution of Iran, a dynamic and new diplomacy on Middle East issues took place. According to many experts, in line with this dynamic diplomacy, according to the geopolitical identities defined in Iran's foreign policy doctrine (especially the geopolitical affiliations and concerns), Iraq is in the center of Iran's attention. In this article, an attempt has been made to examine and analyze Tehran's relations with the new Iraq in three different areas (relations with northern Iraq, relations with the Shiites, and relations with the Sunnis). The main question of this article is what are the geopolitical foundations of Iran's relations with the new Iraq? The method of this article is descriptive-analytical. The data required for the paper are collected from library sources and scientific research papers, as well as strategic documents. The results of the article show that the Iranian men's government is trying to increase its political and military power as the first Shiite geopolitical actor in the region and the world by developing relations with the Shiites and the central government using the element of religion and ideology. On the other hand, by developing relations with the Iraqi Kurdistan Region during the establishment of bilateral and multilateral relations with the Kurds, they will provide a valve for their national security in this area. Iranians and Shiites and the deepening of their relations the extent of Iran's influence on the Iraqi scene Q and increase the area. The results show that Iran has not been as successful in developing relations with Sunnis due to its structural nature, use of the element of religion in foreign policy, historical background of religious challenges in the region, etc., as in two other areas. On the basis of Iran's geopolitical status, especially after the developments in Syria over the past three years, little success has been achieved.

Keywords: Iran, Iraq, Geopolitical status, Shiite geopolitics, national security.

* (Corresponding author) negah2mag@yahoo.com